اسرار سازمان مخفی
یهود



ژرژ لامبلن

مترجم مصطفی فرهنگ

اسرار سازمان مخفی

یهود

تألیف

رژر لامبلن

ترجمه

مصطفی فرهنگ

لامبلن، ژرژ
اسرار سازمان مخفی یهود/ تالیف ژرژ لامبلن؛ ترجمه مصطفی فرهنگ.— تهران: دنیای کتاب، ۱۳۸۱.
۱۲۱ ص.
ISBN:964-5870-00-3
فهرستنویسی براساس اطلاعات فیپا.
۱.یهودیان -- تاریخ -- قرن ۲۰م. ۲.یهودیان -- وضع سیاسی و اجتماعی -- قرن ۲۰م. ۳.یهودیت و سیاست. ٤.صهیونیسم -- تاریخ -- قرن ۲۰م. ۵.یهودیت و دولت. الف.فرهنگ، مصطفی، مترجم. ب.عنوان.

۹۵۶/۹٤۰۵ DS ۱۲۵/ ۲ل الف۵
۱۳۸۱

کتابخانه‌ملی‌ایران ۱۷۰۶۳-۸۱م



نام کتاب: اسرار سازمان مخفی یهود

تألیف: رژر لامبلن

ترجمه: مصطفی فرهنگ

ناشر: دنیای کتاب

ویراستار: علی‌اصغر عبداللهی

تیراژ: ۵۰۰۰ نسخه

تاریخ نشر: ۱۳۸۱

نوبت چاپ: اول

چاپ: پیک ایران

شابک: ۳-۰۰-۵۸۷۰-۹۶۴

مرکزپخش: تهران،خیابان انقلاب،خیابان فخررازی، بن‌بست وزیر نظامی، پلاک ۶۷. تلفن: ۶۴۹۹۳۲۷ ـ ۶۴۹۶۰۱۴

فروشگاه: خیابان جمهوری شرقی، نبش پاساژ اقبال، دنیای کتاب
تلفن: ۳۱۱۹۷۱۹

فهرست عنوان مطالب کتاب اسرار سازمان مخفی یهود

مقدمه

خواننده عزیز

اصل این کتاب به روسی نوشته و به تمام زبان‌های زنده دنیا ترجمه شده و من آن را برای شما از فرانسه به فارسی ترجمه می‌کنم. تصور می‌کنم با خواندن این کتاب به نکات شگفت‌انگیزی پی خواهید برد و از مطالعه آن پشیمان نخواهید بود و چون بر ترجمه فرانسه آن «رژر لامبلن» مقدمه مشروحی نوشته برای معرفی کتاب احتیاجی به نوشتن مقدمه دیگری نمی‌بینم و فقط به ترجمه مقدمهٔ فرانسه اکتفا می‌کنم.

مترجم

مقدمه ترجمه فرانسه

کتابی که ترجمه آن به‌نظر شما خواهد رسید در اغلب کشورها و به‌زبان‌های مختلف ترجمه شده و راجع به آن مطبوعات سر و صدای زیادی راه انداخته و سعی کرده‌اند که از روی اسرار شگفت‌انگیزی پرده بردارند. یهودیان و مسیحیان دربارهٔ آن اظهار نظر کرده و در بعضی موارد بر این کتاب مقدمه‌ای نوشته‌اند که از متن کتاب مفصل‌تر است. از نظر جنبه تاریخی هنوز موضوع تألیف این کتاب و نام مؤلفین آن جزءِ اسرار است. در این کتاب به‌طور وضوح افکار یهودیان فاش شده و نشان می‌دهد که چگونه اولاد اسرائیل با تشکیل مجامع مخفی و فساد جامعه و ترور موجبات حکومت خود را در دنیا فراهم می‌سازند.

برای ذکر اهمیت این کتاب همین نکته بس که در مجله هفتگی مورنینک پست ۱۷ دسامبر ۱۹۲۱ یکی از نویسندگان درباره این کتاب نوشته «به وسیله مندرجات این کتاب بسیاری از امپراطوری‌ها از بین رفته یا ممکن است از بین بروند.»

یهود و ضد یهود

از نقاط مختلف افق دورافتاده آثار ضد یهود با منظره ضعیف و بی رمقی خودنمائی می‌کند و برعکس فشار فوق‌العاده یهود از هر طرف به سرعت هجوم آورده و علائم خطر هجوم وحشتناک آن روز به روز برشدت خود می‌افزاید.

نتیجه تحقیقات دقیق و مشاهدات منطقی روزانه ثابت می‌کند که یکی از علل بدبختی نوع بشر و ناملایمات ناشی از جنگ‌ها یهودیان بوده‌اند.

خطر یهود

خطر یهود که ابتدا آثار ضعیفی از آن مشاهده می‌شد براثر ترجمه یک کتاب روسی که در بریتیش میوزیوم بوده و به اسم «خطر یهود» به انگلیسی ترجمه و منتشر گردیده بیشتر آشکار شده و نزدیک بود که به ترجمه این کتاب توجهی نشود که روزنامه تایمزیک مقاله مفصل و جامعی درباب اهمیت آن منتشر کرده و در عین حال که ترجمه انگلیسی آن در انگلستان منتشر می‌شد به زبان آلمان در برلین ترجمه شد و تازه روزنامه تایمز نظر عامه را به اهمیت کتاب جلب کرده بود که نسخه کتاب نایاب شد و به هیچ قیمتی به دست نمی‌آمد و مهمتر

اینکه مترجمین هم از طبع دوم آن امتناع داشتند.

علل ناراحتی دنیا

مطبوعات دیگر انگلستان راجع به این کتاب مفصلاً اظهار نظر کردند و روزنامه مورنینگ پست تحت عنوان (علت ناراحتی دنیا) سلسله مقالاتی منتشر کرد که ضمن آن با استدلال کافی ثابت می‌کرد که تمام مشکلات سیاسی و مالی دنیا و بالاخره موجبات وقوع جنگ‌ها را یهودیان فراهم نموده‌اند. در آمریکا و فرانسه و لهستان نیز ترجمه کتاب منتشر و مقدمه‌های مفصل بر آن نوشته شد.

در روسیه این کتاب چندین مرتبه چاپ شده ولی به‌نظر می‌رسد که اولین چاپ آن در سال ۱۹۰۲ بوده که به زودی نایاب شده و علت آن این بود که یهودیان فوراً آن را خریده و یا ضبط کرده‌اند و مجدداً در سال ۱۹۰۳ تجدید چاپ شده ولی اولین شمارهٔ آن که فعلاً در دسترس قرار دارد چاپ ۱۹۰۵ می‌باشد که در بریتیش میوزیوم موجود است.

دشمن نوع بشر

یکی از نویسندگان روس در سال ۱۹۰۷ با کمک برادرش درباب آن کتابی نوشت به اسم (دشمن نوع بشر) و آن را به (اتحادیه ملت روس) که با تمام مجامع سری و محافل یهودیان که در امپراطوری تزار فراوان بودند مبارزه می‌کرد هدیه نمود.

تنها اثر مهم طبع این کتاب در دنیا این بوده که به کلیه ملل عالم ثابت کرد که خطر غم‌انگیزی در انتظار آنهاست و نقشه جنگی که

اولاد اسرائیل برای از بین بردن افراد بشر و تسلط بر دنیا طرح نموده آشکار می‌شود.

پروتکل

مجامع صهیونی‌ها در سال ۱۸۹۷ انجمنی تشکیل دادند و در آن انجمن تصمیماتی گرفتند و از تصمیماتی که گرفته می‌شد صورت مجلسی تهیه می‌کردند و نام صورت مجلس‌ها را پروتکل گذارده بودند. این صورت مجلس‌ها به علت اینکه اغلب صهیونی‌ها زبان عبری را خوب نمی‌دانستند به فرانسه تهیه می‌شد و در سال ۱۹۰۱ کشف گردید در اینکه این کتاب مشتمل بر صورت مجلس‌های انجمن صهیونی‌هاست تردیدی نیست زیرا یکی از اعضاء مهم این انجمن ضمن بخشنامه‌ای در سال ۱۹۰۱ عدم رضایت خود را از انتشار این پروتکل‌ها و از اینکه راز مخفی آنها آشکار شده ابراز نموده است.

خلاصه از مفاد پروتکل‌ها

تعداد این پروتکل‌ها بیست و چهار عدد است و بیشتر جنبه دستور و پند و اندرز را دارد و نمی‌توان تنها آنها را صورت مجلس نامید و به‌نظر می‌رسد که مؤلفین این پروتکل‌ها می‌خواسته‌اند در بیست و چهار درس کلیه عقائد اسرائیل و مقاصد یهود را از ادوار گذشته و نبردهای اجتماعی آنها را برای به‌دست آوردن قدرت حکومت بردنیا و بالاخره جنگ نهائی را بیاموزند.

برای یهودیان هیچ حقی جز زور وجود ندارد ـ برای آنها زور مافوق مذهب است.

طلا در دست اسرائیل است و با طلا ممکن است بر مطبوعات و افکار عمومی حکومت‌های کشورهای دموکراسی تسلط یافت.

روزی خواهد رسید که ملل مسیحی به قدری ضعیف خواهند شد که یهودیان حکومتی فوق سایر حکومت‌ها برای خود تشکیل داده و حکومت مطلقه یهود به جای حکومت آزادیخواه مسیحیان فرمانروائی نموده و تمام مذاهب جز مذهب موسی از بین می‌روند.

یهودیان برای اینکه قدرت خود را نشان بدهند با قتل‌عام و ترور در اروپا دولتی تشکیل خواهند داد. برقراری یک مالیات تصاعدی روی سرمایه‌ها باضمحلال و انحطاط ملل مسیحی که مفاسد اخلاقی آنها به حد کمال رسیده کمک خواهد کرد و پادشاه یهودیان بر دنیای رام و مطیع حکومت خواهد نمود.

شرح فوق به‌طور مختصر خلاصه‌ای از پروتکل‌هاست.

مطالعه فصول مختلف نوشته‌های فوق و مقایسه متن آنها با سایر مدارک عبری ثابت می‌کند که بیست سال قبل پیش از جنگ و در موقع شروع جنگ در این نوشته‌ها آینده را پیش‌بینی کرده‌اند.

مارپیچ و مار یهود

فصل سوم اندرزهای رهبران یهود خلاصه‌ای از مسیر مارپیچی و تکامل اولاد اسرائیل را به سوی حکومت مطلقه دنیائی تشریح می‌کند و برای نشان دادن قدرت ظفر نمون یهود آن را به ماری تشبیه نموده که برای همیشه دول اروپائی را محاصره کرده.

فرزندان اول اسرائیل را به سر مار تشبیه نموده که در قلب هر کشوری برای فاسد کردن نسل و از بین بردن آن ملت فرو می‌رود و

پس از اینکه مسیر خود را طی کرده و فتوحات خود را به پایان رسانید به‌جای خود برمی‌گردد.

زعمای صهیونی برای انجام فتوحات خود نقشه‌هائی کشیده‌اند که قسمتی از آن را انجام داده و در نظر دارند قسمت دیگر را انجام دهند.

نفوذ یهود در زمان گذشته

اولین فتح یهودیان در یونان در زمان پریکلس در سال ۴۲۹ قبل از میلاد بود وکمی قبل از میلاد در زمان سلطنت اگوست سر مار در روم نفوذ کرد.

مار یهود در مادرید در زمان شارلکن و در پاریس در زمان سلطنت لوئی چهاردهم و در زمان سقوط ناپلئون و در برلن در ۱۸۷۲ بعد از پیمان ورسای و در پطرز بورک در سال ۱۸۸۱ ظهورکرد.

نکته مهم این است که هر کشوری که سر این مار با آن اصطکاک پیدا کرد در کلیه امور سیاسی و اجتماعی خود گرفتار لغزش‌ها و بحران‌های مخوفی شد.

در یک نقشه مفصلی دوران‌های مختلف نفوذ یهود را در مسکو ـ کیف ـ ادسا ـ قسطنطنیه و بالاخره در فلسطین که نقطه و مبدأ و انتهاست نشان می‌دهد.

در سال ۱۹۱۰ در مطبوعات مسکو مقاله‌ای منتشر شد تحت عنوان «برنامه سری یهودیان» که ضمن آن ترقیات و پیشرفت‌های یهودیان را در روسیه توضیح می‌نمود و نوشته است که در مدت پنجاه سال اخیر سوانح و حوادثی در دنیا رخ داد که هریک از این

حوادث در رسیدن یهودیان به هدف خودشان کمک کرده است. در روسیه انقلاب کاملاً به نتیجه نرسیده بود ولی یهودیان به علت اتفاقات سال ۱۹۰۵ ــ ۱۹۰۶ خوب استفاده کردند. آخرین کنگره یهودیان تمام امیدهای آنها را ظاهر کرده و یکی از بزرگان آنها طرحی برای تساوی حقوق یهودیان تهیه کرد و امروزه از مزایای آن استفاده می‌کنند.

تیشه به ریشه یا انتحار تدریجی ــ بلشویسم و یهود انقلاب روسیه و یهود ــ یهود و انگلستان

یکی از نویسندگان در سال ۱۹۱۱ نوشته است: یهودیان به علت کمی عده هرگز نمی‌توانند بر مللی که در داخل آنها به‌طور طفیلی زندگی می‌کنند فائق گردند. ولی یک طریقه انتحار تدریجی اختراع کرده و در بین مسیحیان متداول کرده‌اند که آنها با اختلاف داخلی تیشه به ریشه خود می‌زنند و به دست خود تشکیلات خود را از هم می‌پاشند.

پس از تسخیر طلا و مطبوعات به جلب نظر پیشوایان ملل اقدام می‌نمایند و به همین دلیل است که به حکومت جمهوری بیش از سلطنت اهمیت می‌دهند.

در خصوص بلشویسم یهودیان روسیه انکار نمی‌کنند که خودشان مسئول ظهور بلشویسم هستند. در سال ۱۹۱۹ یک نفر اسرائیلی در مجله کمونیست نوشته «می‌توان گفت که انقلاب بزرگ اجتماعی روسیه نتیجه اقدامات یهودیان بوده و نه تنها تهیه موجبات این انقلاب را دیده‌اند بلکه زمام امور نیز در دست آنها بوده است و ما

یهودیان مادام که زمام امور ارتش سرخ درست (لئون ترتسکی) است بایستی راحت و آسوده باشیم.

البته پوشیده نیست که یکی از علل دوستی انگلستان و روسیه هم این است که اطرافیان یهودی للوید جرج او را وادار کردند که روابط تجارتی خود را با روسیه توسعه بدهد مقالات و نگارشاتی که درباب پروتکل‌ها به عمل آمده خیلی خوب هدف یهودیان را روشن و آشکار می‌سازد و در عین حال هدف یهود در پروتکل‌ها به قدری روشن و واضح تشریح شده که احتیاجی به توضیح نیست.

از همین نظر است که یهودیان هر قدر که توانسته‌اند در جمع‌آوری این پروتکل‌ها کوشیده‌اند و هر جا در این زمینه سر و صدائی بلند شده سعی کرده‌اند آن را خفه کنند و همیشه ساعی بوده‌اند تبلیغ کنند که بیشتر مفاد این پروتکل‌ها جنبه افسانه داشته و نباید جدی تلقی شود.

مؤلفین پروتکل

قطعاً خیلی علاقمندید که نام مؤلفین پروتکل را بدانید ولی اهمیت خود پروتکل‌ها در قبال نام مؤلفین حائز اهمیت نسبی است و با مطالعه و تشریح پروتکل‌ها و مقدمه‌هائی که بر آن نوشته شده سه نکته اساسی در آنها مشاهده می‌شود.

۱ ـ انتقاد فلسفی از اصول آزادیخواهی و توصیف رژیم حکومت مطلقه و استبداد.

۲ ـ طرح نقشه نبرد اجتماعی به‌منظور اطمینان یهودیان برای حکومت مطلقه در عالم.

۳ ـ پیشگوئی به‌منظور اجراءِ نکات اساسی نقشه یهود.

قسمت اول فقط از نظر مذهبی و فلسفی رژیم حکومت‌ها را مورد مطالعه قرار داده و فقط دو قسمت اخیر است که حائز اهمیت زیادی می‌باشد و با تاریخ گذشته یهود کاملاً منطبق می‌شود و به نحو شگفت‌انگیز اموری را که اتفاق افتاده پیشگوئی نموده است. انقلاب روسیه و تأسیس حکومت‌های مستقل و تأسیس جامعه ملل و تعیین اورشلیم به عنوان مرکز مقدس یهود قسمتی از نقشه‌های زعمای صهیونی یهود است که تاکنون عملی شده.

این کتاب پس از طبع در فرانسه فوق‌العاده استقبال شد ولی شهرت آن فقط بیست سال بعد در سراسر کشور فرانسه منعکس گردید. زیرا نکات مهمی که در پروتکل‌ها پیش‌بینی شده عملی گردیده و خواننده این پروتکل‌ها با مطالعه پیشگوئی‌ها بیشتر به اهمیت آنها پی می‌برد.

رژر لامبلن

فصل اول

دانشمندان صهیونی چه می‌گویند؟

«حق بازور است. آزادی فقط توهمی است آزاد منشی، طلا، حکومت سرمایه دشمن داخلی، اجتماعی، هرج و مرج سیاست اخلاق حق با قوی است قدرت فراماسون یهود شکست‌ناپذیر است برای رسیدن به یک هدف وسائل متناسب با هدف انتخاب می‌شود. اختلافات احزاب، بهترین حکومتی که شما را به سوی هدف رهبری می‌کند حکومت مطلقه استبداد است. مشروبات قوی، مسلک، کلاسیسم، انحراف اصول و قواعد حکومت یهود و فراماسیون، ترور، آزادی و مساوات و برادری. اصول حکومت مزایای حکومت، اشرافی مسیحیان. حکومت اشرافی جدید یک حساب روانشناسی

آزادی بسی معنی نمایندگان ملت.

کمتر جمله بسازیم. در انجام هر فکری مطالعه کنیم. مقایسه کنیم و نتیجه بگیریم. ما می‌خواهیم منظور خود و مسیحیان را روشن کنیم.

این نکته مورد انکار نیست که همیشه تعداد بدان بیش از خوبان است. برای حکومت بر یک عده و حصول نتیجه با زور و ترور بهتر می‌توان به مقصود رسید و برعکس از مباحثات علمی و منطقی نتیجه‌ای حاصل نمی‌شود.

هر فردی طالب زور است. همه می‌خواهند اگر بتوانند دیکتاتور شوند. تعداد اشخاصی که حاضرند از منافع و اغراض شخصی خود به نفع جامعه صرفنظر نمایند فوق‌العاده انگشت شمار است.

این حیوان درنده‌ای که اسمش را انسان گذارده‌اند از چه چیز ساخته شده؟ راهنمای او تا به حال که بوده؟ در آغاز زندگی اجتماعی کورکورانه تابع زور بوده و بعداً تابع قانون شده. قانونی که در حکم همان زور بوده منتها با نقاب و ماسک ظاهر شده.

با مقدمه فوق تصدیق خواهید کرد که طبق قانون طبیعت حق با زور است آزادی سیاسی فقط توهمی است و اصولاً وجود ندارد ولی بایستی از این توهم در موقع لزوم استفاده نمود تا توده‌های ملت به‌سوی حزب مورد نظر توجه نمایند و با حزبی که رقابت می‌کند مبارزه کنند و انجام این عمل در موقعی که حزب قوی تا اندازه اصول آزادی را رعایت نماید آسان خواهد بود.

تاریخ گذشته نشان داده رهبرانی که قدرت خود را از دست داده‌اند مجدداً روی کار آمده‌اند و علت آن این است که ملل جهان همیشه رهبر و پیشوائی لازم داشته‌اند.

امروزه قدرت طلا جانشین قدرت حکومت‌های آزادیخواه شده ولی وقتی بود که فقط ایمان حکومت می‌کرد. فکر آزایخواهان عملی نیست چون هیچکس نمی‌خواهد آن را به‌طور دقیق اجرا کند. باید مدتی ملت را به حال خود گذارد تا حکومت خود را دردست بگیرد به معایب و نواقص پی‌ببرد و اختلاف تولید شود و رفته رفته این اختلاف به جنگ‌های اجتماعی تبدیل شود تا شعله این جنگ‌ها ریشه حکومت‌ها را بسوزاند و عظمت آنها را به خاکستر مبدل سازد.

وقتی که حکومت براثر نزاع‌های داخلی در مقابل فشارهای خارجی ضعیف شد برای درمان درد او داروئی یافت نخواهد شد و حکومت سرمایه که کاملاً در دست ماست سلاحی خواهد بود که خواه ناخواه همه مجبور خواهند بود در مقابل آن سر تعظیم فرود آورند.

از آن کسی که خود را آزادیخواه می‌داند و این افکار را منافی اخلاق می‌داند سئوال می‌کنیم.

اگر فکر آزادیخواه شما قبول دارد به اینکه هر کشوری در عین حال که دشمن داخلی دارد دشمن خارجی هم دارد و همچنین اگر فکر شما قبول می‌کند که بر علیه دشمن خارجی بایستی تمام لوازم نبرد را به‌کار برد و نقشه‌های دفاع و تعرض را از نظر او مکتوم داشت و هنگام شب با تجهیزات کامل او را محاصره کرد و همه این کارها را منطبق با اخلاق می‌دانید پس چگونه اگر این اقدامات برعلیه دشمن قویتری که نظم اجتماع را مختل کرده به‌کار برده شود می‌گوئید این اقدامات غیر مشروع و منافی اخلاق است. فقط یک فکر مقتدری که بتواند احساسات ملت را تهییج کند می‌تواند مقاصد خود را هر قدر هم که

غیر منطقی باشد به افرادی که فقط مطالعه سطحی دارند تحمیل نماید.

احساسات و خرافات و آداب و رسوم نیاکان یک ملت راهنمای افراد آن ملت هستند و همیشه این افراد حاضرند در احزابی که با افکار منطقی مخالفت می‌کنند به غلامی و بردگی خدمت کنند و اینجاست که هر تصمیم اجتماع تابع تصادفات بوده و هر فردی از افراد کشور بدون اطلاع از رموز سیاسی در هر موردی تصمیم می‌گیرد و در نتیجه یک نوع آنارشی حکومت را مضمحل می‌سازد.

سیاست هیچ وجه اشتراکی با اخلاق ندارد

حکومتی که بخواهد به وسیله اخلاق اداره شود حکومت سیاسی نیست و بالاخره قدرت خود را از دست خواهد داد. کسی که می‌خواهد حکومت کند باید به مکر و حیله و فریب و دوروئی متوسل شود.

ملکات حمیده یک ملت که عبارت باشند از رک گوئی و نجابت در عالم سیاست در حکم معایبی هستند که بهتر هر دشمن قوی سلاطین را از تخت سلطنت خلع می‌کنند و این کیفیات در حکومت‌های مسیحی وجود دارد و بنابراین این حکومت‌ها هیچوقت نباید رهبر ما باشند. هدف ما این است که زورمند باشیم. کلمه حق فکر بی‌معنی است و معنی آن این است «آنچه را می‌خواهم به من بده برای اینکه ثابت کنم از تو قویترم» آغاز حق کجاست؟ انجام آن کجا؟

در کشوری که تشکیلات آن مرتب نیست و حکومت‌های ظاهر آزادیخواه نسبت به قوانین به علت زیادی تعداد آنها بی‌اعتنا است

فقط یک قانون وجود دارد که می‌تواند اساس این قوانین را درهم بریزد و آن قانون زور است. باید روی این قوانین دست فراموشی گذارد. باید تمام مؤسسات را از نو ایجاد کرد و بر کسانی که حق ما را به میل خود و در لوای آزادیخواهی از بین برده‌اند حکومت کرد.

به علت همین تزلزل حکومت‌های فعلی قدرت ما از نیروی دیگران پایدارتر خواهد بود و این قدرت به قدری ریشه خواهد کرد که هیچ مکر و حیله‌ای نمی‌تواند آن را متزلزل کند بایستی از اوضاع ناگوار فعلی استفاده کرد و حکومت ملی راکه امروز به‌نام آزادیخواهی مبتذل کرده‌اند به اساس متینی استوار کرد.

برای رسیدن به این هدف مسلم باید وسائل لازم متناسب با آن انتخاب نمود و با توجه به این نقشه کمتر به مراتب اخلاقی توجه داشت بلکه باید به آنچه مفید و لازم است اقدام کرد.

ما در مقابل خود نقشه‌ای داریم که روی آن مسیر خطرناکی تعیین شده و با طی این مسیر خطرناک بایستی آثار چندین قرن دیگران را منهدم سازیم. برای تهیه وسایلی که ما را به مقصود نائل سازد بایستی از بی‌غیرتی و بی‌ثباتی افراد اجتماع و عدم اطلاع افراد به شرائط زندگی راحت و آسوده استفاده کرد.

باید دانست که قدرت اجتماع کور است. احساسات ندارد و استدلال نمی‌فهمد و در عین حال که از راست شنوائی دارد به چپ هم توجه دارد.

یک نفر کور نمی‌تواند کور دیگر را بدون اینکه به چاله بیفتد هدایت کند. همچنین اشخاصی که از یک جامعه خارج می‌شوند باوجود اینکه استعداد فطری دارند به علت عدم اطلاع از سیاست اگر

رهبری یک ملت را عهده‌دار شوند جز اضمحلال آن ملت نتیجه‌ای نمی‌گیرند. فقط فردی که از طفولیت به حکومت استبداد تن داده می‌تواند زبان و حقیقت سیاست را بفهمد. ملتی که به حال خود رها شده و تسلیم حوادث محیط گردیده به وسیله اختلافات احزاب و بی‌نظمی‌های اجتماع خود به خود از بین می‌رود.

آیا ممکن است توده‌های ملت بدون رقابت داخلی کارهای کشور را به‌جریان بگذارند و در انجام اموری که منافع اجتماع در آن است اغراض شخصی را دخالت ندهند؟ آیا می‌توانند در مقابل یک دشمن خارجی از خود دفاع کنند؟ غیر ممکن است.

نقشه‌ای که در مغز کلیه افراد یک کشور تقسیم شد اهمیت خود را از دست می‌دهد و اجراءِ آن غیر ممکن خواهد بود. فقط یک شخص مستبد و یک حاکم مطلق می‌تواند نقشه‌های وسیع و روشن را اجرا کند و جای هر چیزی که ماشین حکومت را در دست دارد اشغال کند.

بنابراین باید قبول کنیم که یک حکومتی که به حال کشور مفید باشد و بتواند به مقاصد خود نائل شود حکومتی است که در دست یک فرد مشخص و مسئول متمرکز باشد و بدون استبداد مطلق تمدن نمی‌تواند وجود داشته باشد که هر کاری به اراده رهبر ملت انجام می‌شود و توده ملت در انجام هیچ کاری دخالت ندارد. توده ملت عبارت از یک اجتماع وحشی است که در هر لحظه می‌خواهد وحشیگری خود را ابراز دارد و به محض اینکه ملتی حکومت آزادی به‌دست آورد آن را به حکومت هرج و مرج که آخرین درجه وحشیگری است تبدیل می‌نماید.

به این حیواناتی که از شرب عرق و شراب مست شده و حالت

حیوانی پیدا کرده‌اند بنگرید. حیواناتی که در عین حال حق دارند بدون حد و اندازه بنوشند و حق آزادی هم دارند. ما نمی‌توانیم اجازه بدهیم ملت ما چنین روزهائی را ببینند.

ملل مسیحی در اثر شرب مشروبات الکلی قوی به‌کلی استعداد خود را از دست داده و جوانی خود را هم در اثر مطالعات کلاسیک و همچنین در سایر اموری که عمال ما به‌طور غیر مستقیم دخالت دارند از دست داده‌اند در یک قسمت از امور عمال ما در یک قسمت شاگردان مکتب ما و در قسمت تفریحات آنها زن‌های ما جوانی آنها را تباه می‌کنند.

تکیه کلام ما باید همیشه این نکته باشد: «زور یعنی مکر و تزویر».

فقط زور می‌تواند در سیاست موفق شود مخصوصاً اگر این زور توأم با استعداد فطری رهبر قوم باشد. شدت و خشونت اصل مسلمی است و فریب و تزویر قاعده‌ای است که باید در حکومت‌هائی که نخواهند تاج و تخت خود را به دست دیگری بسپارند رعایت شود.

این روش تنها راه رسیدن به هدف و ناز و نعمت دنیاست و از همین جهت ما نبایستی از تولید هیچگونه فساد و انجام هیچگونه مکر و تزویر و خیانت که ما را به سوی هدف نزدیک نماید هراس داشته باشیم.

در عالم سیاست اگر برای رسیدن به قدرت لازم باشد که مال دیگران را هم تصاحب کرد تردیدی جائز نیست.

حکومت ما پس از نیل به این فتوحات باید به جای ناملایمات جنگ برای افراد ملل محکومیت‌هائی ایجاد کند که به‌طور غیرمرئی آنها را محکوم به مرگ نموده و از موقعیت‌ها استفاده نموده و آنها را

کورکورانه رام و مطیع نماید.

خشونت عادلانه بزرگترین عامل قدرت حکومت است و در عین حال که این روش برای ما مفید است وظیفه ماست که برای نیل به پیروزی چنین روشی را پیشه خود قرار دهیم ولی برای انجام این عقیده حساب دقیقی لازم است و وسائلی هم که برای انجام آن انتخاب می‌شوند بایستی مؤثر باشند و با انجام این طریقه و اتخاذ این رویه مقدمات پیروزی ما فراهم خواهد شد و در نتیجه تمام حکومت‌ها از حکومت ما پیروی خواهند کرد.

فقط کافی است بدانند که حکومت ما حکومت جدی و خشنی است تا در نتیجه هیچگونه نظر عدم اطاعت در افکار آنها رسوخ ننماید.

کلمات آزادی و مساوات و برادری کلماتی هستند که از روزگار قدیم از زبان ما منتشر شده و توجه ملل قدیم را به آن معطوف داشته‌ایم و متأسفانه بعدها این کلمات را کسانی که جز سلب آسایش و راحتی ملل هدفی نداشته‌اند به زبان آورده‌اند و به این کلمات عقیده نداشته‌اند و در نتیجه آزادی فردی حقیقی را هم معدوم نموده‌اند.

اشخاصی هم که خود را با هوش تصور می‌کرده‌اند به‌معانی مخفی این کلمات پی نبرده‌اند. هنوز نفهمیده‌اند که گویندگان این کلمات ضد و نقیض می‌گویند هنوز ندیده‌اند که در طبیعت مساواتی وجود ندارد آزادی نمی‌تواند وجود داشته باشد متوجه نشده‌اند که خود طبیعت خالق عدم مساوات افکار و اخلاق و غرائز بوده.

این اشخاص هنوز نفهمیده‌اند که توده یک ملت نیروی کوری

است و کسانی هم که برای حکومت به توده انتخاب می‌شوند در سیاست کورند. اینها نکاتی است که به فکر افراد مسیحی نمی‌رسد.

کلمات آزادی و مساوات و برادری کلماتی هستند که به وسیله آنها مأمورین ما عده بسیاری را با شوق و شعف به زیر بیرق ما فراخوانده‌اند و در عین حال همین کلمات در حکم کرم‌هائی هستند که ریشه راحتی و آسایش کلیه ملل غیر یهودی را خورده و فاسد کرده و همه جا صلح و آرامش و اساس قدرت حکومت‌ها را متزلزل کرده و خواهید دید که همین کلمات موجبات فتح و پیروزی ما را فراهم خواهد نمود و همین کلمات وسیله از بین بردن روح آریستوکراسی در حکومت مسیحیان و همچنین بهترین بهانه برای دفاع ما در مقابل ملل و کشورهای مخالف ما خواهد بود.

روی خرابه‌های حکومت اشراف طبیعی و موروثی آنان ساختمان مجلل حکومت اشرافی هوش و ثروت ما برقرار خواهد شد. اساس این حکومت اشرافی که ما در نظر داریم بر دو اصل است.

اصل اول ثروت است که به وسیله ما تولید می‌گردد و اصل دوم علوم است که از طرف دانشمندان و زعمای ما در آنها تتبع می‌شود.

نکته دیگری که رسیدن ما را به فتح و پیروزی تسهیل می‌کند این است که همیشه می‌توانیم در مواردی که باید با سایر اشخاص اصطکاک داشته باشیم به نقاط حساس اشخاص توجه داریم و این نقاط حساس عبارتند از مادیات ـ حرص و آز ـ عدم ثبات ـ احتیاجات مادی افراد و به‌طور خلاصه با حمله به کلیه نقاط ضعف افراد بایستی حس ابتکار آنها را خفه کرد و بر اراده آنها حکومت نمود.

فکر بی‌معنی آزادی به افراد یک ملت چنین وانمود می‌کند که یک حکومت در حکم مالک کشور و ملت است و مانند دستکش ممکن است آن را عوض کرد و عدم ثبات نمایندگان ملت که به وسیله ما انتخاب می‌شوند، برای اثبات این موضوع کافی است.

فصل دوم

جنگ‌های اقتصادی اساس نقشه یهود را تشکیل می‌دهد ـ تشکیلات مرئی و مشاورین مخفی ـ پیشرفت عقاید مخرب ـ اختلاط با سیاست ـ وظیفه مطبوعات قیمت طلا و ارزش فدائیان یهود

باید در نظر داشته باشیم که جنگ‌ها نباید فقط منافع ارضی در برداشته باشند بلکه باید برای ما نتیجه اقتصادی هم داشته باشند تا کلیه ملک به تفوق ما پی ببرند در نتیجه منافع ارضی هم خود به خود در اختیار عمال بین‌المللی ما قرار گیرد.

عمال ما در تمام مناطق وجود دارند و برای آنها هیچ مرز و سرحدی وجود ندارد.

بدین ترتیب حقوق بین‌المللی ما حقوق ملی را از بین برده و مانند حقوق ملی خودشان که روابط افراد ملت را معلوم می‌نماید روابط ملک مختلف را تعیین خواهد نمود.

مسئولین تشکیلاتی که از طرف ما انتخاب می‌شوند با افرادی که برای تشکیلات اداری کشورها تعیین می‌شوند کاملاً اختلاف دارند و این افراد وسائلی هستند که موفقیت ما و مشاورین ما راکه دانشمندان نابغه و متخصص هستند و از ابتدای طفولیت برای اداره تشکیلات تمام دنیا تربیت شده‌اند تسهیل خواهد کرد.

البته لازم به توضیح نیست که متخصص ما اطلاعات لازمه خود را برای اجراءِ تشکیلات سیاسی از صفحات تاریخ و تجارب گذشتگان و از مطالعه تمام حوادث گذشته به دست آورده‌اند.

مسیحیان به هیچوجه از مطالعات تاریخی استفاده ننموده و فقط طریقه‌های فرضی راکه به هیچوجه به نتیجه حقیقی نمی‌رسند تعقیب می‌نمایند و بدین لحاظ ما نباید از روش آنها پیروی نموده و به اعمال آنها ترتیب اثری بدهیم.

بگذارید این مسیحیان چند گاهی به خود مشغول بوده و آینده خوشی را به خود نوید بدهند و به یاد خاطرات خوش گذشته زندگی کنند ـ بگذارید سرگرم علوم و فرضیه‌هائی که خود ما به آنها تلقین کرده‌ایم به حیات خود ادامه دهند.

به این طریق دائماً تعداد ما رو به افزایش خواهد رفت و تشکیلات ما با کمک مطبوعات خودمان و اعتماد کامل مسیحیان به این فرضیه‌ها و قوانین روز به روز تقویت خواهد شد.

طبقه روشنفکر مسیحیان به اطلاعات و اکتشافات خود بدون

اینکه به نتیجه قطعی و منطقی آنها توجهی داشته باشند فخر و مباهات خواهد کرد و تمام اطلاعات علمی را که خود ما مطابق میل خود و هدف خودمان در اختیار آنها گذارده‌ایم به موقع اجرا خواهد گذارد.

هیچوقت این دلائل ما را بی اساس ندانید ـ به پیشرفت‌هائی که خودمان در راه داروینیسم و مارکسیسم و نیچئیسم ایجاد نموده‌ایم توجه کنید خودمان لااقل نمی‌توانیم منکر این پیشرفت‌ها باشیم.

برای ما لازم است که به افکار و اخلاق و تمایلات ملل توجه کنیم برای اینکه بعدها در تشکیلات اداری و امور سیاسی مرتکب خبط و خطا نکردیم.

این روش ما که راه‌های مختلف در تطبیق با ملل ممکن است مورد استفاده قرار گیرد در امتداد این مسیری که طی می‌کنیم و با ملل کشورهای مختلف برخورد می‌نمائیم فقط موقعی استفاده حقیقی را به ما خواهد داد که عملیات گذشته ما منطبق با کیفیاتی باشد که رعایت آنها حتمی است.

دولت‌هائی جدید در دست خود قدرت خلاقه دارند و آن قدرت مطبوعات است. عمل مطبوعات این است که تمایلات ملت را منتشر نموده و شکایات او را به سمع اولیای امور برساند در نتیجه عده‌ای ناراضی ایجاد نموده و آنها را دورهم جمع می‌کند که نغمه‌ای آغاز نمایند.

مطبوعات نماینده آزادی بیان و افکار عمومی است ولی دولت‌ها نتوانسته‌اند از این قدرت استفاده نمایند و این قدرت در دست ما افتاده است.

به وسیله همین مطبوعات است که در حالی که در حاشیه تاریکی قرار گرفته‌ایم به آنچه در روشنی می‌گذرد توجه داریم و نفوذ خود را به‌دست آورده‌ایم.

با کمک همین مطبوعات است که طلا به قیمت سیل خون‌ها و اشک‌هائی که ناچار از ریختن آنها بوده‌ایم در دست ما انباشته شده و در حالی که خود ما هم از خود فدائیانی داده‌ایم زندگی عالمگیر ما تجدید شده و در پیشگاه پروردگار هریک از قربانی‌های ما با هزاران قربانی مسیحیان برابر خواهد بود.

فصل سوم

«شعار مارپیچی و تعریف آن عدم موازنه قوانین اساسی. ترور در کاخ‌ها، قدرت و جاه‌طلبی ماشین‌های پرحرف پارلمانی. نشریات سیاسی سوء استفاده از قدرت. بردگی اقتصادی حقیقت یک ملت، محتکرین و حکومت اشرافی ارتش فراماسونی یهود. انحطاط مسیحیان. گرسنگی و سرمایه. جلوس و تاجگذاری حاکم دنیا. هدف اساسی برنانه آینده مدارس ملی فراماسون. اسرار نظامی اجتماع. بحران اقتصادی عمومی. امنیت استبداد فراماسونها یا حکومت عقل. عدم وجود یک رهبر. فراماسونری. منشأ انقلاب بزرگ فرانسه است. پادشاه مستبد از فرزندان صهیونی‌ها بوده. علل شکست ناپذیری فراماسونری وظیفه عمال مخفی فراماسون آزادی.

امروز می‌توانیم به شما بگوییم که تقریباً نزدیک مقصد قرار داریم ولی یک کمی از راه باقیمانده و دائره شعار مارپیچی که نماینده ملت ماست بسته خواهد شد. وقتی که این دائره مسدود شد تمام دول اروپائی مانند یک مهره در داخل پیچی فشرده و محاصره خواهند شد.

موازنه قوانین اساسی و حکومت‌های مشروطه به زودی زیر و رو خواهد شد زیرا ما خودمان این قوانین را از مجرای غلط به جریان گذارده‌ایم که آن‌قدر به راست و به چپ منحرف گردند تا بالاخره در چنگال بلاگرفتار شوند مسیحیان گمان می‌کنند که این قوانین را براساس متین و متقنی قرار داده‌اند و همیشه انتظار دارند که کفه‌ها در حال تعادل و موازنه باشد ولی کسانی که کلید کار را در دست دارند به‌وسیله قدرت کامل خود که به هیچ طریقی نمی‌توان برآن نظارت نمود آنها را وادار به ارتکاب اعمالی می‌کنند که فقط ناشی از حماقت است.

این قدرت فقط از ترووری.که در کاخ‌ها حکمفرماست سرچشمه می‌گیرد. حکمفرمایان چون با ملت خود محشور نیستند نمی‌توانند با افراد کشور دست به دست یکدیگر داده و با کسانی که قدرت آنها را خنثی می‌کنند مبارزه نمایند و بدین ترتیب در بین افکار طبقه حاکمه روشنفکر و همچنین افکار افراد ملت تفرقه می‌اندازیم تا در نتیجه اهمیت آنها را معدوم نموده و با ایجاد تشتت آنها را مانند کوری که عصایش را از دستش گرفته باشند ضعیف و ناتوان می‌سازیم.

برای اینکه اشخاص جاه‌طلب را وادار کنیم که از قدرت خود سوء استفاده کنند در مقابل هر قوه‌ای قوه مخالفی ایجاد می‌کنیم و در عین

حـال این‌طور جلوه مـی‌دهیم کـه تـمایلات هـر دو قـوه نـاشی از آزادیخواهی و علاقه به استقلال است.

برای رسیدن به این هدف از کلیه وسائل استفاده می‌کنیم و تمام احزاب را مسلح می‌سازیم و هـدف ایـن جـاه طـلبان را روز بـه روز تقویت می‌کنیم و کلیه مناطق حکـومت دولت‌ها را بـه صـحنه‌های مبارزه تبدیل می‌نمائیم و با توسعه دامنه اغتشاش و بی‌نظمی وسائل تولید عدم اعتماد را در همه جا فراهم می‌سازیم.

اشخاص پرچـانه کـه عـلاقه زیـادی بـه پـرگوئی دارنـد جـلسات پارلمانها و ادارات را به جنگ‌های نطق و خطابه تـبدیل مـی‌نمایند. روزنامه‌نگاران جسور و ناشرین بی‌شرم و حیا روزنامه‌ها هـر روز بـه مستخدمین دستگاه‌های اداری حمله می‌کنند. در نتیجه سوءاستفاده از قدرت منتهی به سقوط کلیه تأسیسات خواهد شد و تمام مؤسسات براثر فشار ضربات جنون‌آمیز اجتماعی که دیوانه‌وار به حیات خود ادامه می‌دهد واژگون می‌گردد.

افراد ملت‌ها در حلقه‌های زنجیر فشار و کارهای سـنگینی کـه از بردگی و غلامی هم بیشتر صدمه می‌زند اسیر می‌شوند و فقط تنها راه خلاصی آنها از این اسارت این است که ممکن است با آنها کج دار و مریز کرد ولی نمی‌توان آنها را از بدبختی نجات داد. حقوقی کـه مـا راجع به قوانین اساسی برای توده وضع کرده‌ایم تمام مجازی هستند و حقیقت ندارند و کلمات «حقوق ملت» فقط در مغز وجود دارد و هیچوقت به مرحله عمل نمی‌رسد.

برای کارگر رنجبری که قامتش برای انجام کار پرمشقت خمیده و تقدیر و سرنوشت او را در زیر فشار گذارده ایـن مـقررات و قـوانـین

اساسی چه فایده‌ای داشته؟ آیا جز پرحرفی پرگویان و مجاز دانستن روزنامه نگاران به فحاشی و دشنام و انتشار همه گونه الفاظ بی‌معنی که گاهی توأم با نگارشات جدی بوده نتیجه‌ای داشته؟ فقط تنها نتیجه‌ای که طبقه رنجبر برده‌اند این است که گاهی ریزه‌های ته سفره خود را پیش آنها ریخته‌ایم آن هم برای قسمتی از آنها که به نفع مادر آراء عمومی شرکت کرده یا با عمال ما همکاری کرده‌اند.

حقوق جمهوری برای بیچارگان فقط به منزله نواختن آهنگ‌های ناگواری است که لزوم انجام یک کار روزانه به آنها فرصت نمی‌دهد تا از این حقوق استفاده نمایند بلکه در عوض ضمانت عائدی دائمی و مطمئن آنها را متزلزل نموده و اغلب اوقات آنها را در چنگال اعتصاب‌هائی که از طرف حکمفرمایان تحمیل می‌شود گرفتار می‌سازد.

اساس حکومت اشرافی که تنها حامی ملت است براثر راهنمائی‌های ما به دست خود ملت واژگون می‌شود و در نتیجه ملت بیچاره در چنگال سفته بازان و محتکرین بی‌رحمانه فشرده می‌شود و یک مرتبه در این موقع ما به عنوان آزاد کنندگان ملت از یوغ بندگی و فقر و فلاکت دست به سوی کارگر دراز نموده و به او پیشنهاد می‌کنیم که در دسته‌های سوسیالیست و آنارشیست و هرج و مرج طلبان که همیشه در زمره جمعیت‌های اجتماعی فراماشخانه خودمان نگاه می‌داریم داخل شوند.

حکومت اشرافی که کاملاً از کارگران استفاده می‌کرد علاقمند است که کارگران عیسوی همیشه سیر و راحت و نیرومند باشند و برعکس عقیده ما این است که عیسویان دچار انحطاط و اضمحلال

گردند.

پیشرفت قدرت ما منوط به ایجاد قحطی نزد دیگران و تضعیف کارگران است و چون تمام کارها به اراده ما انجام می‌شود آنها هیچ قدرتی برای مخالفت با اراده ما نخواهند داشت. سرمایه براثر گرسنگی کارگر قدرت و نیروئی حاصل می‌کند که حکومت اشرافی با وجود قدرت پادشاهی نمی‌تواند چنین قدرتی را از راه مشروع و قانونی کسب کند. در نتیجه گرسنگی فقر و بیچارگی و کینه و حسد ایجاد خواهد شد و در این وقت برتوده ملت نظارت می‌کنیم و با دست‌های خود ملت کسانی راکه با اراده ما مخالفت می‌ورزند از بین می‌بریم.

وقتی که زمان تاجگذاری «حاکم مطلق جهانی» در رسیدن همین دست‌ها کلیه موانع را از میان برمی‌دارد.

مسیحیان از تدریس علم تقسیم کار در مدارس ابتدائی که مقدم بر سایر علوم اجتماعی و حیاتی انسانی است امتناع دارند در صورتی که علم تقسیم کار علم طبقه‌بندی افراد از روی شرائط و مشخصات آنهاست و لازم است هر فردی بداند که مساوات نمی‌تواند وجود داشته باشد زیرا حدود فعالیت افراد مختلف است و در نتیجه کلیه افراد نمی‌توانند به‌طور تساوی در مقابل قانون مسئول باشند.

مثلاً مسئولیت کسی که به شرافت خود علاقمند است با مسئولیت کسی که از مبادرت به هیچ نوع عملی ابا ندارد یکسان نیست.

علم حقیقی اجتماعی که مسیحیان را در جریان آن نمی‌گذاریم نشان می‌دهد که جاوکار هر فردی بایستی متمایز باشد برای اینکه بین

تربیت و کار تناقضی رخ ندهد.

با مطالعه این علم ملل عالم باطیب خاطر مطیع قدرت‌ها خواهند شد و از نظم اجتماعی که خودشان ایجاد کرده‌اند تبعیت خواهند کرد. برعکس در شرائط حاضر جریان علم مزبور را طوری ترتیب داده‌ایم که ملت کورکورانه گفته‌های چاپ شده دیگران را مطالعه نموده و براثر افکار غلطی که به او تلقین شده و او را جاهل بار آورده برضد کلیه شرایط محیط قیام می‌نماید و در نتیجه بحران اقتصادی که منجر به توقف بورس و تزلزل کارهای صنعتی می‌شود شدیدتر می‌شود.

وقتی که ما با تمام وسائل مخفی این وضع را ایجاد کردیم به کمک طلا که فقط در دست ماست ایجاد یک بحران اقتصادی عمومی نموده و کلیه توده‌های کارگران ملل را در کلیه کشورهای اروپا گسیل خواهیم داشت و این توده‌ها با شهوت بسیار به ریختن خون کسانی که از زمان طفولیت به آنها حسادت می‌ورزیده‌اند اقدام نموده و اموالشان را به غارت می‌برند.

این افراد به مال ما دست درازی نخواهند کرد زیرا ما از زمان حمله قبلاً اطلاع داریم و تمام اقدامات احتیاطی را به منظور حفظ اموال خود نموده‌ایم و در این موقع که ملت خود را آزاد می‌یابد و مشاهده می‌کند که به‌نام آزادی این‌قدر امتیاز برای رفاه حال او قائل شده‌اند تصور می‌کند که خود او حکمفرماست و برضد قدرت حاکمه قیام می‌کند و مانند کوری به مانع برخورد می‌کند و در جستجوی راهنمائی برمی‌آید و چون میل ندارد که به جای اول خود برگردد تمام قدرت خود را در اختیار ما می‌گذارد.

(انقلاب فرانسه را که به آن «انقلاب بزرگ» نام گذارده‌ایم به یاد آورید. اسرار ایجاد این انقلاب کاملاً بر ما روشن است زیرا این انقلاب ساخته دست‌های مابوده) در این موقع که قدم به قدم ملت را پیش می‌بریم سعی می‌کنیم که از ما هم روبرگرداند و ما به نوبه خود به نفع پادشاه مستبد صهیونی که خود برای عالم ایجاد کرده‌ایم عقب‌نشینی می‌کنیم و در این موقع دارای قدرت جهانی شکست‌ناپذیری هستیم که اگر در کشوری به ما حمله کنند در کشورهای دیگر از ما دفاع می‌نمایند.

بی‌غیرتی بی‌حد و اندازه ملل مسیحی که در مقابل قدرت خم می‌شوند و فقط در مقابل ضعف و گناهان کوچک بی‌رحمند و جنایات ضد آزادیخواهی را تقویت می‌کنند و در مقابل قدرت یک شخص مستبد و جسور مثل مرده هستند نکاتی است که استقلال ما را تقویت می‌کند.

مسیحیان از یک نخست وزیر به‌قدری رنج می‌برند و به‌قدری سوءاستفاده تحمل می‌کنند که بیست پادشاه در زمان سلطنت خود مرتکب آن نمی‌شوند.

دیکتاتورها و نخست‌وزیران عمال خود را وادار می‌کنند که به ملت آهسته بگویند که اگر به دولت خود فحش و ناسزا بدهند خوشبختی ملت تامین می‌شود و از حقوق متساوی مانند سایر ملل برخوردار خواهند شد. البته به‌طور روشن و واضح به آنها نمی‌گویند که این نتیجه فقط در تحت تسلط و قدرت ما حاصل خواهد شد.

در این موقع ملتی که بی‌گناهان را محکوم و مقصرین را تبرئه می‌کند خاطرجمع و مطمئن می‌شود که هرچه بخواهد می‌تواند بکند

و در این شرائط ثبات کارها را مختل نموده و اختلال و بی‌نظمی را در کلیه مراحل ایجاد می‌کند.

کلمه «آزادی» اجتماعات انسانی را به جنگ برضد هر قدرت و هر مقام و حتی مخالف قدرت خدا و طبیعت تشویق می‌کند و برای این است که باید بگوییم در قاموس انسانیت این کلمه اساس خشونت و وحشیگری‌ها را تشکیل می‌دهد و توده‌های ملل را به حیوانات درنده تبدیل می‌نماید.

البته این حیوانات هر موقعی که از خون سیراب شده‌اند خوابیده‌اند و در این وقت زنجیر کردن آنها آسان شده ولی اگر خون بخورد آنها ندهند نمی‌خوابند و با یکدیگر می‌جنگند.

فصل چهارم

«مراحل مختلف یک حکومت جمهوری فراماسونری خارجی ــ آزادی و مذهب ــ رقابت بین‌المللی تجارت و صنعت ــ عمل سفته بازان ــ حکومت طلا»

هر حکومت جمهوری مراحل مختلفی را طی می‌کند ـ مرحله اولیه آن شبیه به ایام زندگی آدم کوری است که دیوانه‌وار خود را به راست و به چپ می‌اندازد.

مرحله دوم مرحله عوام فریبی است که مولد هرج و مرج بوده و بالنتیجه منتهی به حکومت استبداد می‌شود. ولی نه حکومت استبدادی که تابع مقرراتی بوده و مسئولیتی برای خود قائل باشد بلکه یک حکومت استبدادی که اثر آن در همه جا محسوس بوده و در

عین حال غیرمرئی است. این استبداد به وسیله سازمان مخفی اعمال شده و حتی‌المقدور سعی می‌شود که کمتر خشونت‌آمیز بوده و به‌وسیله عمال مختلف ما به موقع اجراء گذارده شود و در عین حال که این عمل ضرری متوجه حکومت نمی‌کند آن را تقویت می‌نمائیم بدون اینکه هزینه گزافی در برداشته باشد.

چه کسی می‌تواند یک قدرت مخفی را از بین ببرد؟ این قدرت مخفی قدرت ماست. فراماسونری خارجی فقط به منظور مخفی نگاهداشتن نقشه‌های ماست و شعاع عمل و طرز اجراء این قدرت مخفی و محل اجراء آن برای همیشه برملت پوشیده است.

آزادی می‌تواند بدون ضرر و بدون اینکه به ملت صدمه‌ای بزند وجود داشته باشد و این تنها موردی است که بر اصول اعتقاد به خدا و بر اساس برادری ابناء بشر استوار باشد هر چند هیچ ارتباطی بین آزادی و مساوات وجود ندارد زیرا حتی در قوانین خلقت خلاف این موضوع مشاهده می‌شود و اصولاً همین قوانین اصل عدم مساوات و تبعیت افراد را بوجود آورده است.

با چنین ایمانی ملت تن به حکومت مذهبی داده و آرام و درویش‌وار در سایه توجهات سرپرست خود که مانند چوپانی از آنها سرپرستی می‌کند به مال و منالی که نیروی الهی از مکنت دنیا نصیب آنها نموده راضی بوده و به زندگی خود ادامه می‌دهد.

از همین نظر لازم است که ما باید ایمان به مذهب را ریشه‌کن نمائیم. ما باید از مغز عیسویان ایمان به مبدأ الهی را خارج و به جای آن ارقام محاسبات و موضوعات مادی را جایگزین سازیم و برای اینکه عیسویان وقت تفکر و تجربه نداشته باشند باید افکار آنها را با

صنعت و تجارت پریشان نمود تا تمام ملل درصدد منافع خصوصی خود بر آمده و برای اغراض شخصی مبارزه نموده و توجهی به دشمن مشترک خود نداشته باشند. و برای اینکه آزادی کاملا از بین رفته و کاملا اجتماع مسیحیان واژگون شود باید صنعت را به اساس سپکولاسیون و سفته‌بازی قرار داد به قسمی که هیچ ثروتی که در نتیجه استفاده از زمین عائد می‌شود در دسترس صنعتگران قرار نگرفته بلکه در معرض سفته‌بازی واقع شده و بالاخره به صندوق‌های ما سرازیر شود. مبارزه‌های پر حرارتی که تاکنون برای تفوق یکی بر دیگری شروع شده در آتیه نیز ادامه خواهد داشت و نبرد اقتصادی که آغاز شده اجتماعات بی‌نشاط و سرد و بی‌روحی ایجاد کرده و خواهد کرد که در نتیجه تنفر فوق‌العاده‌ای نسبت به سیاست ملی و مذهب ابراز خواهند داشت و تنها رهبر آنها حساب و رقم خواهد بود یعنی تنها معبود این ملت‌ها طلا خواهد بود طلائی که به علت قدرت خرید احتیاجات مادی کلیه افراد نسبت به آن ایمان تزلزل‌ناپذیری خواهند داشت. در این وقت است که طبقه توده مسیحیان برای مبارزه بر علیه مسیحیان روشنفکر که رقبای ما هستند در زیر لوای فرمان ما جمع می‌شوند. البته نه به منظور کسب ثروت و نه به قصد اصلاح اوضاع بلکه فقط از روی کینه و حسد نسبت به طبقه‌ای که تقریباً زندگی راحتی دارند برای همکاری با ما حاضر می‌شوند.

فصل پنجم

ایجاد منتها درجه تمرکز در حکومت طریقه‌های مختلف برای استفاده از قدرت فراماسونری ــ چرا دولت‌ها نمی‌توانند متفق شوند ــ انتخابات یهودیان طلا موتور و قوه محرکه ماشین حکومت‌هاست ــ عمل انحصارها در تجارت و صنعت ــ اهمیت انتقاد مؤسسات دولتی ــ خستگی از حرف و نطق و بیان ــ چطور باید افکار عمومی را جلب نمود ــ اهمیت ابتکار فردی ــ حکومت عالی مرکزی.

در جامعه‌ای که در تمام دستگاه‌های آن فساد رخنه کرده چه نوع تشکیلاتی می‌توان داد. در جامعه‌ای که فقط با حقه‌بازی و مکر و حیله ممکن است کسب ثروت نمود و نکات اخلاقی فقط در اثر زجر و

مجازات و اجراء قوانین سخت و خشن رعایت می‌شود و هیچکس حاضر نیست با طیب خاطر این نکات را رعایت نماید. در جامعه‌ای که در آن احساسات میهن‌پرستی و علاقه و ایمان به مذهب جای خود را به تمایلات و احساسات داده به غیر از حکومت دیکتاتوری و استبداد که چندی پیش از آن تعریف نموده‌ایم چه نوع حکومتی می‌تواند حکمفرما باشد؟

ما تمام اعمال زندگی سیاسی اتباع خودمان را خود به خود به وسیله قوانین جدید منظم می‌کنیم. این قوانین تمام دقائق آزادیخواهی را که از طرف مسیحیان رعایت می‌شود در بر داشته و حکومت ما از همه حیث دارای عظمت بدون سابقه‌ای می‌شود. به نحوی که مسیحیان ناراضی را که قصد مخالفت با مقاصد ما دارند خود به خود خفه می‌کند. ممکن است بگویند که استبدادی که ما از آن سخن می‌گوئیم با ترقیات و پیشرفت‌های جدید منطبق نیست ولی ما عکس آن را ثابت خواهیم کرد.

وقتی که ملت هیئت حاکمه را شعبه‌ای از دستگاه الهی بداند کورکورانه به حکومت مطلقه سلاطین تن در می‌دهد ولی از روزی که ما فکر حقوق مسلم افراد را به آنها تلقین کرده‌ایم هیئت حاکمه را فقط اشخاص ساده و ضعیفی می‌پندارند در نتیجه افتخار پادشاهان به اینکه دربار آنان شعبه‌ای از دستگاه الهی می‌باشد سلب و در بین افراد خود ملت تقسیم می‌گردد و در نتیجه ما آن را تصاحب می‌کنیم.

بعلاوه فن حکومت بر توده و افراد ملت به وسیله جمله‌پردازی و عبارت‌هائی که خوب به هم تلفیق شده یا تعلیم قواعد زندگی اجتماعی و یا سائر ابتکارهائی که فکر مسیحیان به آن نمی‌رسد یکی

از علل پیشرفت سازمان اداری ماست که بر اثر نبودن رقیب در امور سیاسی و اجتماعی تکمیل گردیده است.

ما در تاریکی ایستاده و مراقب اعمال دیگران که در روشنائی انجام می‌شود هستیم. برای دنیا چه فرق می‌کند که حاکم آن رئیس کاتولیک‌ها باشد یا پیشوای مستبد صهیونی؟ ولی برای ما که ملت منتخب هستیم بی‌تفاوت نیست.

اگر یک مرتبه مسیحیان دنیا متحد شوند ممکن است برای مدتی بر ما حکومت کنند ولی ما بر اثر تخم نفاقی که در اعماق قلوب آنان پاشیده‌ایم از این حیث در امان هستیم و ریشه این نفاق را به هیچوجه نمی‌توان از دل‌های آنها کند.

ما حساب‌های انفرادی و اجتماعی مسیحیان و همچنین اختلافات مذهبی و تمایلات مخالف آنان را از بیست قرن پیش در مقابل یکدیگر قرار می‌دهیم و برای همین است که هیچ حکومتی در هیچ جای دنیا برای خود نمی‌تواند حکومت همفکر و موافقی داشته باشد و هر یک تصور می‌کنند که اگر اقدامی بر ضد ما بکنند به نفع خودشان خواهد بود و حال آنکه ما به قدری قوی هستیم که پیشرفت آنها میسر نیست مگر اینکه ما را در اقدامات خود شرکت دهند.

به اراده ما پادشاهان سلطنت می‌کنند

پیغمبران به ما گفته‌اند که ما از طرف خدا انتخاب شده‌ایم برای اینکه بر دنیا حکومت کنیم و خداوند به ما نبوغی داده که می‌توانیم به هدفی که داریم برسیم و اگر در طرف مقابل ما چنین ابتکاری وجود داشته باشد می‌تواند با ما از در نزاع در آید ولی کسی که تازه وارد

میدان مبارزه می‌شود با کهنه کاری که در حرفه خود ورزیده شده قابل مقایسه نیست.

نبرد بین ما بیرحمانه خواهد بود به قسمی که دنیا نظیر آن را ندیده است زیرا مردان مبارز مخالف ما دیر به میدان وارد شده‌اند.

تمام چرخ‌های ماشین‌های اجتماع احتیاج به قوه محرکه و موتوری دارد که فقط در دست ماست این قوه محرکه طلاست و علم اقتصاد سیاسی که به وسیله دانشمندان ما ابداع شده اهمیت قابل توجه طلا را به خوبی اثبات می‌کند.

برای آزادی عمل و برای اینکه به وسیله سرمایه به نتیجه مطلوبه برسیم بایستی انحصار صنعت و تجارت را قبضه کرد و این همان نکته‌ای است که در تمام دنیا یک دست غیرمرئی آن را به مرحله عمل گذارده و این آزادی به صنعتگران قدرت سیاسی می‌بخشد و در نتیجه افراد ملت تابع آنها خواهند شد. خلع سلاح ملل امروزه بیشتر از سوق آنها به جنگ اهمیت دارد. برای ما این نکته حائز اهمیت است که احساسات پر شور و حرارت دیگران را بیشتر تحریک نمائیم و به هیچوجه درصدد آرام کردن آن نباشیم ـ ما باید افکار دیگران را بگیریم و با جرح و تعدیل آنها را به کار بریم نه اینکه درصدد از بین بردن این افکار باشیم. مسئله اساسی حکومت ما این است که افکار عمومی را با انتقادهای بی‌شمار ضعیف بکنیم و مردم را مجبور کنیم که اصولاً فکر کردن را فراموش کنند زیرا هر فکری مخالفت ایجاد می‌کند و ما باید طوری بکنیم که افکار مردم متوجه نکاتی نبوده و بیهوده تلف شود.

همیشه ملل عالم و افراد از روی حرف در عمل قضاوت کرده‌اند

برای اینکه ظاهر هر چیزی را در نظر گرفته و به ندرت توجه نموده‌اند که آیا انجام این فرضیه‌ها به نتیجه‌ای که برای زندگی اجتماعی مفید باشد منتج می‌شود یا خیر و برای همین است که تأسیسات خودمان را طوری ترتیب می‌دهیم که نشان بدهد ما موافق با پیشرفت افراد هستیم.

ما چنین جلوه می‌دهیم که احزاب حق به جانب هستند و آنها را متوجه تعلیمات ناطقین و خطبای خودمان می‌کنیم که آنقدر برای آنها حرف بزنند تا از شنیدن آنها خسته و فرسوده شوند.

برای جلب افکار عمومی باید طوری با افکار مسیحیان مبارزه کرد و حواس آنها را مغشوش نموده و از اطراف و جوانب با حرف‌های مختلف آنها را محاصره کرد که در نتیجه فکر اصلی خود را از دست داده و ترجیح دهند که در سیاست بهتر است اظهار عقیده نکنند. اینها نکاتی است که اجتماع نمی‌خواهد متوجه آن باشد و فقط کسی که جریان این نکات را هدایت می‌کند باید توجه داشته باشد. این نکته اولین راز از اسرار ماست.

راز دوم که برای هدایت حکومت و پیشرفت رعایت آن ضروری است عبارت از این است که معایب عادات احساسات و قواعد حیات ملت را باید به قدری چند برابر نمود که کسی نتواند از این جنجال سر در آورد و هیچکس زبان دیگری را نفهمد.

اثر این تاکتیک این است که در بین احزاب هم اختلاف ایجاد نموده و کلیه قوای اجتماعی آنها را متفرق نموده و حس ابتکار آنها را از بین می‌برد به نحوی که قوه این نفاقی که ما ایجاد کرده‌ایم به مراتب از قدرت میلیونها نفر از مخالفین ما بیشتر خواهد بود. بایستی فرهنگ

ملل مسیحی را چنان راهنمائی کرد که به هر کاری که می‌خواهند اقدام کنند مواجه با مشکلات شده و در مقابل هر کاری که ابتکار لازم دارد مأیوس برگردند.

قدرتی که در حکومت آزادیخواه بدون حد و مرز اعمال می‌شود همیشه ضعیف و ناتوان است چون همیشه با قدرت دیگران مواجه می‌گردد و از همین نظر است که اختلافات اخلاقی و ناملایمات و عدم پیشرفت در کارها احساس می‌شود. ما مسیحیان را به قدری از این آزادی خسته خواهیم کرد که در نتیجه مجبور شوند خودشان به ما قدرت بین‌المللی بدهند و این قدرت غیرقابل تجزیه دارای آن نیروئی خواهد بود که تمام قوای دیگر را تحت‌الشعاع خود قرار داده و حکومت عالمگیر و عالی ما را تشکیل دهد.

به جای حکومت‌های مختلف فعلی حکومت وحشت‌انگیزی ایجاد خواهیم کرد به نام «حکومت عالی» که دست‌های این حکومت از هر طرف مثل انبر دراز شده و تشکیلات آن به قدری با عظمت خواهد بود که سایر ملل چاره‌ای جز اطاعت از آن نخواهند داشت.

فصل ششم

انحصارها ــ تمول مسیحیان به انحصارها بستگی دارد ــ حکومت اشرافی تمول ــ تجارت و صنعت و سفته‌بازی ــ تجمل ــ افزایش دستمزد و حقوق و گرانی مایحتاج مورد لزوم مردم ــ هرج و مرج و مستی ــ معنی مرموز تبلیغات ــ فرضیه‌های اقتصادی.

بزودی انحصارهای جدیدی به وجود می‌آوریم که به منزله مخزن ثروت‌های هنگفت بوده و حتی تمول‌های بزرگ مسیحیان مانند اعتبار حکومت‌هائی که بر اثر حوادث سیاسی فردای آن حادثه از بین می‌رود در ثروت ما مستهلک می‌شود. آقایان اقتصادیونی که عرض اندام می‌کنید به اهمیت این زدوبندهای ما توجه کنید!... ما باید با

تمام وسائل ممکنه اهمیت حکومت عالی خودمان را توسعه بدهیم و نشان بدهیم که این حکومت حامی کسانی است که به طیب خاطر از آن تبعیت نموده‌اند. حکومت اشرافی مسیحیان به محض از بین رفتن سیاست دیگر وجود خارجی ندارد و ما نباید به آن توجه داشته باشیم ولی حکومت مزبور به عنوان مالک تمول ارضی تا حدودی که استقلال دارد ممکن است به ما صدمه بزنند و برای این است که ما باید سعی کنیم حق مالکیت زمین را از حکومت مزبور سلب کنیم و بهترین طریقه برای اینکار این است که مالیات زمین را زیاد کنیم تا صاحبان اراضی مقروض شوند و در نتیجه در قید دیگران اسیر باشند و بدین ترتیب پیروان حکومت اشرافی که نمی‌توانند با سرمایه کم زندگی کنند رفته رفته از بین می‌روند. در عین حال باید تجارت و صنعت را کاملا حمایت کرد مخصوصاً بایستی از سفته‌بازی که به منزله رقیب صنعت می‌باشد تقویت نمود چون بدون سفته‌بازی صنعت سرمایه‌های فردی را چند برابر نموده و کشاورزی را اصلاح نموده در نتیجه اراضی را از قید قروض بانک‌ها نجات می‌دهد و ما باید از این اصلاحات جلوگیری کنیم.

به وسیله صنعت از زمین سرمایه به دست می‌آوریم و با این سرمایه سفته‌بازی می‌کنیم تا ثروت تمام دنیا را تصاحب کنیم و در این موقع تمام مسیحیان برای اینکه حق حیات داشته باشند در مقابل ما سر تعظیم فرود خواهند آورد.

برای از بین بردن صنعت مسیحیان اصول سفته‌بازی را توسعه می‌دهیم تجمل‌پرستی را شایع می‌کنیم حس تجمل‌پرستی که همه چیز را می‌بلعد بهترین وسیله برای پیشرفت کار ماست.

ما حقوق‌ها را بالا می‌بریم ـ افزایش حقوق بی‌ثمر زیرا به همان نسبت که قیمت لوازم اولیه مورد احتیاج مردم را بالا می‌بریم سعی می‌کنیم به کشاورزی و زراعت رغبت نشود و در نتیجه قیمت‌ها بالا رود. مخصوصاً توجه داریم که منابع مولده محصول کمتری بدهد و برای این کار کارگران را به هرج و مرج تشویق می‌کنیم و با مشروبات الکلی مضر آنها را تحریک نموده و بالاخره مسیحیان باهوش را از خاک خود تبعید می‌کنیم.

برای اینکه حقیقت مطلب آشکار نگردد ما نقشه‌های خود را در زیر ماسک خدمت به کارگر و اصول اقتصادی عملی می‌کنیم ـ اصول اقتصادی که امروز در تمام دنیا مشغول تعلیم آن هستیم.

فصل هفتم

چرا باید تسلیحات را زیاد کرد ــ جوش و خروش و اختلاف و نفاق و کینه در عالم مخالفت مسیحیان و نتیجه نبردهای داخلی و جنگ عمومی ــ حفظ اسرار شرط اساسی پیشرفت سیاست است ــ مطبوعات و افکار عمومی ــ توپ‌های آمریکائی و ژاپنی و چینی

افزایش تسلیحات و افراد شهربانی برای تکمیل نقشه‌ای که ما درصدد اجراء آن هستیم اصل اساسی است که باید حتماً در نظر گرفته شود. در هر کشوری فقط باید چند نفر میلیونر باشند که کاملاً فدائی ما باشند و علاوه بر آنها افراد شهربانی و ارتش هم وجود داشته باشد.

در تمام اروپا و سائر قاره‌های عالم ما باید جوش و خروشی ایجاد کنیم و در نتیجه تخم نفاق و کینه را بین مردم پراکنده سازیم ــ نتیجه این کار دو برابر خواهد شد ــ از یک طرف در ملت حس احترامی نسبت به خود ایجاد می‌کنیم و ملت‌ها می‌دانند که ما به میل خود می‌توانیم نظم یا بی‌نظمی ایجاد کنیم و تمام آنها عادت خواهند کرد که وجود ما را مانند بار سنگینی تحمل کنند و از طرف دیگر به وسیله سیاست و تنظیم قراردادهای اقتصادی و تعهدات مالی بر تمام کسانی که در دستگاه‌های حساس دولتی و هیئت دولت‌ها دخالت دارند دسترسی خواهیم داشت و برای رسیدن به هدف خودمان از یک نیرنگ اساسی استفاده خواهیم کرد و در تمام مذاکرات رسمی چنین جلوه می‌دهیم که مردمان نجیب و آرامی هستیم.

بدین طریق ملت‌ها و حکومت‌های مسیحی که ما آنها را عادت داده‌ایم که فقط به ظاهر هر چیزی بنگرند ما را از زمره نیکوکاران و نجات‌دهندگان نوع بشر خواهند دانست.

در هر موقعی که ما به مخالفتی برخورد می‌کنیم باید دارای استعدادی باشیم که بتوانیم جنگ را بین کشوری که با ما قصد مخالفت داشته وکشورهای همجوار او ایجاد کنیم و اگر این کشورهای همجوار هم باکشور مخالف ما هم عقیده باشند بتوانیم جنگ عمومی را ایجاد کنیم.

مطمئن‌ترین راه پیشرفت در سیاست این است که در هر کاری سر **نگهدار باشیم ــ گفتار یک سیاستمدار نبایستی هیچ وقت با عمل او تطبیق کند.**

ما باید با حکومت‌های مسیحیان مخالفت کنیم و طبق نقشه

خودمان که تاکنون اجراء کرده و به نتیجه هم رسیده‌ایم عمل نمائیم ـ افکار عمومی هم به ماکمک خواهد کرد زیرا مطبوعات افکار عمومی را در اختیار ما گذارده‌اند.

صرفنظر از چند مورد استثنائی مطبوعات تقریبا در همه جا در اختیار ماست و به طور خلاصه برای ذکر سیستم مبارزه خودمان با مسیحیان اروپا در اولین وهله اگر طرف مخالف یک کشور باشد به نیروی ترور متوسل می‌شویم و اگر همه با ما مخالفت کنند و بر ضد ما بشورند با توپ‌های آمریکائی و چینی و ژاپنی جواب خواهیم داد.

فصل هشتم

استعمال مقررات قانونی ـ دوستداران رژیم فراماسون ـ مدارس اختصاصی ـ مقتصدین و میلیونرها ـ پست‌های حساس دولتی به چه اشخاصی باید داده شود.

ما باید تمام وسائلی را که رقبای ما ممکن است بر ضد ما مورد استفاده قرار دهند به خودمان اختصاص دهیم و برای اجراء مجازات‌های شدید از ریزه‌کاری‌ها و دقائق قوانین استفاده کنیم تا در عین حال که مجازات‌ها عملی می‌شود باعث عبرت دیگران گردد.

رژیم ما بایستی از کلیه عوامل مؤثر تمدن در محیط خود و مخصوصاً از وجود ناشرین مطبوعات و مطلعین مجرب علم حقوق و متخصصین تشکیلات اداری و سیاستمداران و بالاخره از وجود

اشخاصی که در کلاس‌های اختصاصی خودمان تربیت شده‌اند استفاده کند.

این اشخاص به تمام رموز اجتماعی پی برده و به تمام زبان‌های سیاست و طبایع افراد و نکات و نقاط حساس آشنا خواهند بود.

این نقاط حساس عبارت از ساختمان فکر مسیحیان و تمایلات و معایب و نواقص و مشخصات آنها است.

بدیهی است که در حکومت ما وجود مسیحیان که همیشه اعمالشان بدون توجه به نتیجه آنها است نباید دخالت داشته باشند.

مسئولین تشکیلات اداری مسیحیان نامه‌ها را بدون اینکه بخوانند امضاء می‌کنند و فقط برای اغراض شخصی یا جاه‌طلبی کار می‌کنند. ما حکومت خودمان را با یک عده علمای اقتصادی احاطه می‌کنیم و برای همین است که بایستی در حکومت ما به تعلیم علم اقتصاد اهمیت بیشتری داده شود و به طور خلاصه یک عده بانکدار و صنعتگر و سرمایه‌دار و مخصوصاً میلیونر در دستگاه ما خواهند بود. برای اینکه ما فقط با رقم سروکار خواهیم داشت تا هنگامی که ما نتوانیم پست‌های مزبور را به دست کسانی می‌سپاریم که سوابق گذشته و شهرت اجتماعی آنها نشان بدهد که بین آنها و توده ملت گرداب و گودال‌های مهیبی فاصله باشد به طوری که در مواقعی که بخواهند کوچکترین نافرمانی و یا عدم اطاعتی از خود بروز دهند چاره‌ای جز اینکه از مسکن مألوف خود به نقاط دیگر تبعید شوند نداشته باشند و برای ترس از همین مکافات است که این اشخاص راه فراری از انجام دستورات ما نداشته و تا آخرین نفس برای حفظ منافع ما کار خواهند کرد.

فصل نهم

مورد استعمال اصل فراماسون برای تغییر تربیت توده‌های ملل مختلف ـ تکیه کلام فراماسون ـ اهمیت ضدیت با یهود ـ حکومت دیکتاتوری فراماسیون ـ ترور ـ کسانی که در دستگاه فراماسونی خدمت می‌کنند ـ قوه هوش و قوه کور قلمرو حکومت مسیحیان قدرت و ملت ـ حکم آزادیخواه ـ غصب تعلیم و تربیت ـ تعبیر قوانین.

موقعی که اصول موضوعه ما را مورد استفاده قرار می‌دهید در اخلاق و مشخصات توده ملتی که در اطراف آن مطالعه و عمل می‌کنید دقت کنید.

استفاده از این اصول قبل از اینکه تربیت توده ملت تغییر داده شود

با پیشرفت و موفقیت مقرون نخواهد بود ولی اگر این اصول با نهایت احتیاط به موقع اجراء گذارده شود خواهید دید که در مدتی کمتر از ده سال به طور کلی مشخصات و خصوصیات آن ملت تغییر حاصل نموده و تبعیت شما را خواهد پذیرفت.

زمانی که نوبت حکومت ما فرا رسد تکیه کلام خود یعنی عبارت آزادی ـ مساوات برادری را عوض نخواهیم کرد بلکه مقصود خودمان را با الفاظ دیگری از قبیل «حق آزادی» و «وظیفه مساوات» و «هدف برادری» ادا خواهیم کرد در نتیجه تمام حکومت‌ها را به استثنای حکومت خودمان از بین خواهیم برد و اگر بعضی از حکومت‌ها درصدد اعتراض به ما برآیند این کار مطابق میل ما خواهد بود زیرا وجود یک نهضت ضد یهود برای اینکه ما بتوانیم بر برادران کوچک خود حکومت کنیم ضروری است و در این باب توضیح بیشتری نمی‌دهیم برای اینکه این موضوع مکرر ضمن مکالمات ما مورد بررسی واقع شده. در حقیقت هیچ مانعی در مقابل ما وجود ندارد و حکومت عالی ما به طرز فوق‌العاده قانونی به حکومت خود ادامه می‌دهد به نحوی که می‌توان نام حکومت دیکتاتوری بر آن گذارد به طوری که می‌توانیم خودمان را مقنن و مجریان قوانین عالم بنامیم ـ در اجراء عدالت مجازات‌ها را به موقع اجراء می‌گذاریم ـ محکوم به اعدام می‌کنیم پاداش می‌دهیم و بر تمام افواج و پیروان خودمان مانند یک فرمانده لشکر حکمفرمائی می‌کنیم.

با دست‌های محکم و قوی حکمفرمائی می‌کنیم چون قدرت را از دست کسانی که مطیع ما شده‌اند به دست آورده‌ایم ـ جاه‌طلبی‌های بی‌مورد و حرص و آز و انتقام بیرحمانه و کینه را منحصر به خود

می‌کنیم. ما هستیم که با ترور همه جا را احاطه می‌کنیم و افراد زیادی با عقائد مختلف و روش‌های متفاوت در اختیار خود داریم.

در دستگاه ما هواخواهان سلطنت ـ عوام‌فریبان سوسیالیست‌ها و همه فرقه‌ای وجود دارند ـ ما تمام مردم را دنبال کار خودشان مشغول ساخته‌ایم و هر کس سعی خواهد کرد آخرین آثار قدرت را که در خارج موجود است از بین برده و هر چیزی که خودنمائی کند منهدم سازد.

تمام حکومت‌ها از این جنبش ناراضی بوده و سعی خواهند کرد آرامش را برقرار سازند و برای تأمین صلح از هیچ گونه فداکاری مضایقه نخواهند کرد ولی ما نخواهیم گذارد که صلح آنها تأمین شود مگر اینکه حکومت عالی ما را به رسمیت شناخته و در مقابل حکومت ما با نهایت خشوع سر تعظیم فرود آورند. در این موقع توده ملت شروع می‌کند به فریاد زدن و حل مشکلات اجتماعی را از راه توافق بین‌المللی می‌طلبند.

چون توده ملت به چند قسمت تقسیم شده برای تسکین خاطر آنان باید یک به یک و جداگانه اقدام کرد و حلال این مشکل حلال مشکلات یعنی پول است و پول فقط در دست ماست.

ما طبقه روشنفکر را از توده ملت می‌ترسانیم و برای مبارزه با اتحاد طبقه روشنفکر قیام می‌کنیم. بین این دو طبقه ما دیواری بنا کرده‌ایم ودر واقع ترور متقابل ایجاد نموده‌ایم.

ما به نیروی کور توده ملت تکیه نموده و این نیرو را به هر جانبی که بخواهیم منعطف می‌سازیم و محققاً خواهیم توانست آن را برای رسیدن به هدف خودمان مورد استفاده قرار دهیم و برای اینکه این

نیرو از دست ما خارج نشود گاهگاهی خودمان با برادران باوفای خودمان را با توده ملت در تماس می‌گذاریم و وقتی که نیروی خودمان از طرف عامه به رسمیت شناخته شد خودمان در محافل عمومی با ملت صحبت خواهیم‌کرد و مسائل سیاسی را به طوری که برای ما ضروری و مفید باشد تعلیم خواهیم داد.

تعلیمات ما بزودی با زبان خود ملت از یکی برای دیگری نقل می‌شود و بزودی از شهری به شهر دیگر و از دهی به دهکده‌ای منتشر و بدین ترتیب در تمام کشور منعکس می‌گردد برای از بین بردن تمام مؤسسات مسیحی نقاط حساس را به دست آورده و با مداخله در انتخابات مطبوعات و آزادی افراد و مخصوصاً تعلیم و تربیت که سنگ‌های اساسی ساختمان آزادی بشر است سازمان‌های آنها رامضمحل می‌سازیم.

ما نسل جوان مسیحیان را با اصول تربیتی که بر اساس فرضیه‌های غلط استوار نموده‌ایم فاسد می‌کنیم و بدون اینکه در قوانین موجوده ظاهراً تغییرات اساسی بدهیم در آنها تغییرات ضد و نقیض داده و نتیجه‌هائی به میل خود به دست می‌آوریم.

خواهید گفت اگر به اعمال و مقاصد ما پی ببرند اسلحه به دست گرفته و بر ضد ما قیام خواهند کرد ولی در ممالک غربی تشکیلات وحشتناکی ترتیب داده‌ایم که جسورترین اشخاص در مقابل آن می‌لرزند و عمال ما با تشکیلات و مدارک خود از کشوری به کشور دیگر و از پایتختی به پایتخت دیگر منتقل می‌شوند.

فصل دهم

قدرت سیاسی ـ تعریف کلی سطح فکر ملت آینده‌ای که حکومت فراماسون نوید می‌دهد ـ مراجعه به آراء عمومی ـ خودستائی رهبران فراماسون ـ راهنمای فراماسونی مؤسسات و عـ[illegible] آنها ـ سم آزادیخواهی مشروطیت مدرسه ا[illegible]لاف احزاب است ـ عهد جمهوری ـ رؤسای جمهور مخلوق فراماسونری هستند ـ مسئولیت رؤسای جمهور نقاط ضعف وظیفه وکلاء و رئیس مجلس ـ فراماسونری یک قوه مقننه است ـ قانون اساسی جدید جمهوری ـ حکومت استبداد فراماسونری زمان اعلام حکومت جهانی ـ عمل امراض و سایر وسائل در نکبت و بدبختی ملت.

امروز برای شما چیزهائی را که قبلاً گفته‌ام تذکر می‌دهم و مخصوصاً یادآوری می‌کنم که حکومت‌ها و ملت‌ها فقط به ظاهر توجه دارند وقتی که نمایندگان آنها مشغول عیش و عشرت هستند چگونه ملت می‌تواند به حقیقت بیندیشد؟

برای سیاست ما توجه به این جزئیات خیلی اهمیت دارد و وقتی که درباره اصل تقسیم قدرت بحث می‌کنیم این موضوع به ما خیلی کمک خواهد کرد هنگامی که راجع به آزادی نطق و بیان و آزادی مطبوعات و آزادی عقیده و آزادی اجتماعی و مساوات در مقابل قانون و حق مالکیت و حق سکنی و مالیات سخن می‌رانیم این جزئیات در پیشرفت کار ما فوق‌العاده مؤثر خواهد بود و تمام این مسائل طوری است که نباید نسبت به آنها مستقیماً و علناً در مقابل ملت اقدام نمود و هنگامی که لازم باشد ملت از این جریان‌ها اطلاع حاصل نماید باید به طورکلی ولی نه به طور تفصیل و تفکیک آن را در جریان گذارد و متوجه کرد که اصول حقوق جدید از طرف ما شناخته و به موقع اجرا گذارده شده است و اهمیت مخفی نمودن این اصول است که ما می‌توانیم هر نتیجه‌ای راکه بخواهیم به نفع و به میل خود بگیریم و حال آنکه اگر اصول را قبلاً گفته باشیم خود به خود یک نتیجه تغییرناپذیری حاصل خواهد شد و به میل خود نخواهیم توانست آن را تغییر بدهیم.

ملت علاقه مخصوصی دارد که در امور سیاسی مداخله نموده و اظهار عقیده کند و بگوید چه خوب بازی شد چه بد بازی کرد! چقدر در سیاست مهارت دارد! خوب حقه‌ای زد! و از این قبیل کلمات.

ما باید توجه کلیه ملل را به ساختمان بنای جدید و اساسی که

نقشه آن را خودمان ریخته‌ایم جلب کنیم و برای این است که قبل از هر چیز تهور لازم و قدرت فکری را در کلیه عمال خودمان ایجاد می‌نمائیم به‌طوری که بتوانند کلیه موانع را از مقابل مسیر خود بردارند.

وقتی که ما به انجام کودتای خود موفق شدیم به ملت‌ها خواهیم گفت: «عجب وضع خرابی است. این همه مشقت قابل تحمل نیست. ما سعی می‌کنیم موجبات بدبختی شما را از بین ببریم. این همه اختلاف ملیت‌ها را اختلاف کشورها و مرز آنها و پول آنها را از بین برده‌ایم و البته اگر نتیجه مطلوبه را ملاحظه کرده‌اید و آدم عادلی باشید قطعاً از ما پیروی خواهید کرد.»

در این وقت این اشخاص ما را تقویت نموده و ما را به سوی فتح رهبری خواهند کرد و آینده پر از امیدی را با وجه و نشاط به مانوید خواهند داد.

مراجعه به آراء عمومی هم آخرین وظیفه را انجام خواهد داد و میل قاطبه ملت را جلب می‌نمائیم به‌طوری که قبل از آنکه درباره ما قضاوت کنند ما را بشناسند و برای به‌دست آوردن این نتیجه در تمام دنیا عمل مراجعه به آراء عمومی را رواج و بدون اینکه وجه تمایزی بین افراد قائل شویم کلیه طبقات را در مراجعه به آراء عمومی شرکت می‌دهیم تا اکثریت مطلقی نصیب ما گردد و بدیهی است اگر فقط طبقه روشنفکر در این امر شرکت کنند چنین اکثریتی نصیب ما نخواهد شد.

با جلب توجه توده ملت اهمیت واقعی خانواده‌های مسیحی را از بین برده و ارزش تربیتی آنها را به‌طوری نابود می‌کنیم که وقت نداشته

باشند نه به آن توجه کنند و نه درباره آن صحبت کنند و این افراد فقط از ما پیروی خواهند کرد. زیرا در قبال اطاعت از ما استفاده مادی خواهند نمود.

به همین ترتیب نیروی ملت تبدیل به نیروی کوری خواهد شد که هیچ حرکت آن بدون راهنمائی عمال ما که به منزله رهبران آن هستند انجام نمی‌گیرد. ملت فقط تبعیت ما را خواهد پذیرفت چون همه‌گونه مال و ثروت و هدایا به‌طور رایگان در اختیار ماست.

نقشه حکومت باید زائیده یک فکر مستقل باشد زیرا اگر چند فکر در تنظیم آن دخالت کنند متجانس نخواهد شد و برای این است که ما فقط یک نقشه معینی داریم و در عین حال هیچوقت نباید درباره قسمت‌های مختلف و جهات آن بحث کنیم زیرا بحث ما ممکن است حس ابتکاری را که در تنظیم آن به‌کار رفته و همچنین ارتباط قسمت‌های مختلف و طرز اجراء و معانی مخفی آن را آشکار ساخته و اهمیت آن را زائل سازد.

وقتی این نقشه در معرض افکار و آراء عمومی قرار گرفت مردم بدون توجه به حقیقت مطلب قضاوت خواهند کرد و ما از نوع قضاوت آنها استفاده خواهیم نمود.

نقشه‌های ما باید خیلی متین و قابل فهم باشد و برای همین منظور باید از حس ابتکار رؤسای خودمان استفاده کنیم و برای فهم مطالب در اختیار ملت بگذاریم.

این نقشه‌ها در حال حاضر تشکیلات مؤسسات فعلی را به هم نخواهد ریخت بلکه فقط در امور اقتصادی آنها دخالت خواهد داشت و در نتیجه تمام تحولات و تغییرات این تأسیسات طبق

نقشه‌های ما انجام خواهد شد.

این موضوع تقریباً در تمام کشورها به‌نام‌های مختلف و به وسیله نمایندگان وزارتخانه‌ها، مجلس سنا، هیأت مجریه هیأت مقننه و هیأت مجریه عملی می‌گردد.

لازم نیست که ارتباط این تشکیلات توضیح شود زیرا کراراً این مطالب مورد بحث واقع شده و شما به آن واقف هستید. فقط توجه کنید که هریک از این مؤسسات مربوط به یکی از صاحبمنصبان دولت است و مخصوصاً توجه شما به این نکته جلب می‌شود که اهمیت صاحبمنصبان دولت از مؤسسات دولتی بیشتر است.

کارهای کشوری و حکومتی در دستگاه‌ها و مؤسسات دولتی تقسیم شده و این‌کارها به سه طبقه تقسیم می‌شوند:

کارهای اداری. کارهای قضائی. کارهای اجرائی و وظیفه آنها در حکومت مانند وظیفه اعضاء در بدن انسانی است و اگر یک قسمت از دستگاه دولتی خوب کار نکند مثل یک عضو بدن فلج شده و همان‌طور که در انسان منتهی به مرگ می‌شود موجبات اضمحلال حکومت فراهم می‌شود.

هنگامی که در تشکیلات حکومتی سم آزادیخواهی رخنه کرد تشکیلات سیاسی آن حکومت تغییر می‌کند و حکومت مثل بیماری است که دچار درد بی‌درمانی شده و بایستی خون او را تجزیه کرد و در این وقت باید ناظر حال احتضاران بود.

حکومت‌های مشروطه زائیده آزادیخواهی است و جای حکومت‌های استبداد را گرفته و به‌طوری که می‌دانید مشروطه فقط مکتب اختلاف و مشاجره و مباحثه و ایجاد انقلاب و نهضت‌های

خشک و بی‌ثمر احزاب است و به عبارت دیگر مشروطه مدرسه‌ای است که شخصیت و اهمیت حکومت را مضمحل می‌سازد و در چنین حکومتی حتی مطبوعات برای ضعیف و بی‌ثمر نمودن هیأت حاکمه فعالیت می‌کند و چنین جلوه می‌دهد که وجود چنین هیأت حاکمه ضروری نیست و لزوم یک حکومت جمهوری احساس می‌شود و در این وقت از موقع استفاده‌کرده به جای حاکم یک نفر که بیشتر به کاریکاتور شباهت خواهد داشت به عنوان رئیس جمهور از بین غلامان و بردگانی که در بین افراد ملت داریم انتخاب می‌کنیم. این عمل به منزله گودالی است که مادر زیر مسکن ملل مسیحی حفر کرده‌ایم. در فصول بعد در آتیه نزدیکی مسئولیت رؤسای جمهور را برای شما شرح خواهیم داد.

در این وقت بدون اینکه به خودمان زحمت بدهیم به وسیله حکومت مخلوق خود کلیه کارها را بر وفق مراد خود به جریان می‌گذاریم.

اگر کسانی که لیاقت حکومت را داشته باشند نادر باشند برای ما اهمیتی ندارد و باید فقط درصدد ایجاد موانعی باشیم که بتوانند کاملاً تشکیلات مملکت را از یکدیگر بگسلند. برای وصول به این نتیجه برای انتخاب رئیس جمهور کسانی را که در سوابق گذشته آنها نقاط ضعفی وجود داشته باشد کاندید می‌کنیم تا در موقعی که به حکومت رسیدند و قدرتی به دست آوردند مطابق غریزه بشری از ترس اینکه قدرت و مزایا و منافع و احترامات خود را از دست بدهند مجری دستورات ما باشند.

مجلس هم از آنها حمایت و دفاع نموده و آنها را انتخاب خواهد

نمود ولی حق پیشنهاد قوانین را از آن سلب خواهیم کرد و آن را فقط در اختیار رئیس جمهور خواهیم گذارد که مثل یک اسباب بازی در دست ماست.

بدیهی است قدرت حکومت هدف حمله‌ها واقع خواهد گردید و ما این حق را برای آن محفوظ خواهیم داشت که بدون مراجعه به نمایندگان نظر توده ملت را استعلام نماید. اکثریت توده ملت هم خادمین ما خواهند بود و نتیجه به نفع ما حاصل خواهد شد.

به علاوه حق اعلام جنگ را جزو حقوق رئیس جمهور منظور خواهیم نمود و برای ایجاد این حق به این نکته متشبث می‌شویم که چون رئیس جمهور فرمانده کلیه نیروهای مسلح است و به موقع خود باید بتواند از حقوق جمهوری دفاع کند این حق هم مخصوص به اوست.

در چنین موقعیتی بدیهی است که قدرت مدیریت فقط در دست ماست و در چنین حکومتی حق اظهار نظر در سیاست را نیز به اسم حفاظت اسرار از مجلس سلب می‌کنیم و مخصوصاً تعداد نمایندگان مجلس را به حداقل تقلیل می‌دهیم تا اینکه عقائد سیاسی کمتری اظهار شود و هر وقت که احساس عقائدی برخلاف میل خود کردیم با مراجعه به آراء عمومی و جلب اکثریت مجلس را منحل سازیم.

انتخاب رئیس و نایب رئیس مجلس سنا با رئیس جمهور خواهد بود. به عوض اینکه جلسات مجلس متوالیاً و دائماً تشکیل شود در فاصله چند ماه تشکیل خواهد شد و به علاوه حق انحلال مجلس نیز با رئیس جمهور که رئیس قوه مجریه است خواهد بود. ولی برای اینکه نتیجه این اقدامات غیر مشروع ما گریبانگیر رئیس جمهور که

دست نشانده خود ماست نشود سعی خواهیم کرد که اقدامات خود را با دست وزرا انجام داده و مسئولیت را به دوش آنها بگذاریم و بیشتر جدیت خواهیم کرد که این مسئولیت را به عوض اینکه به عهدهٔ یک فرد تنها بگذاریم به عهده مجلس سنا ـ شورای حکومتی و شورای هیأت وزیران محول کنیم.

رئیس جمهور قوانین را همیشه به نفع ما تفسیر خواهد کرد زیرا قوانین را همیشه می‌توان به انحاء مختلف تفسیر نمود و در موقع لزوم قوانین را ملغی و قوانین موقتی را پیشنهاد و حتی به عنوان مصالح عالی حکومت در قانون اساسی تغییراتی را بخواهد و به این طریق آنچه را که در ابتدای کسب قدرت خودمان در قوانین اساسی قبول کرده بودیم از بین خواهیم برد و موقعی که تمام حکومت‌ها در زیر لوای حکومت استبدادی ما جمع شدند اثری از قوانین اساسی مشهود نخواهد بود.

ممکن است که حکومت ما قبل از بین رفتن قوانین اساسی ملت‌ها به رسمیت شناخته شود و این وقتی است که توده‌های ملت که از بی‌نظمی و بی‌فکری حکومت خود خسته شده‌اند فریاد می‌زنند: (این افراد حاکمه را بیرون کنید و به ما پادشاهی بدهید که بتواند بی‌نظمی‌ها را از بین برده و نفاق و اختلاف را از میان برداشته و ما را متحد سازد و تمام موجبات اختلاف را که عبارت از مرزها و سرحدات کشورها و مذاهب و مادیات می‌باشد از میان بردارد پادشاهی که صلح و آرامش ما را تأمین کند ـ صلح و آرامشی که اولیای امور و دستگاه حاکمه فعلی از تأمین آن عاجزند.)

البته خوب می‌دانید که برای تسهیل انجام این تمایلات بایستی در

تمام کشورها دائماً روابط ملت و حکومت را مغشوش نمود به‌طوری که تمام مردم از نفاق و عدم هم‌آهنگی و کینه و قحطی و شیوع امراض و فقر و بدبختی خسته شوند و مسیحیان چاره‌ای جز تسلیم به دستگاه حکومت وسیع و عالمگیر ما نداشته باشند. بدیهی است اگر ما به ملت‌ها فرصت نفس کشیدن بدهیم شاید چنین زمان مساعد و مناسبی فرا نرسد.

فصل یازدهم

برنامه مشروطیت جدید ـ مختصری از جزئیات کودتای پیشنهادی ما ـ مسیحیان گوسفندند ـ فراماسونری سری.

مجمع عمومی نمایندگان ملت نماینده قدرت حکومت خواهد بود وزیر ماسک قانون گذاری قوانین و تصویبنامه‌ها را به دولت تحمیل خواهد کرد.

برنامه مشروطیت جدیدی که ما درصدد تأسیس آن هستیم عبارت خواهد بود از طرح قانون و اصول حقوقی و قضائی که به وسائل زیر انجام خواهد شد.

۱ ـ به‌وسیله پیشنهاد به قوه مقننه یعنی مجلس.

۲ ـ به وسیله تصویبنامه‌های نخست وزیری ـ به وسیله

دستورهای مجلس سنا ـ به وسیله مجمع عمومی نمایندگان یا دستورهای وزارتی.

۳ ـ در مواقعی که مقتضی باشد به وسیله کودتا.

حال که این موضوع به میان آمد جزئیات کارها و اقداماتی را که بایستی برای تغییر حکومت به نحوی که قبلاً گفته‌ایم انجام شود شرح می‌دهیم.

شنیده می‌شود که همه جا صحبت از آزادی مطبوعات حقوق اجتماعی ـ آزادی فردی ـ اصول انتخابات و اصول دیگری صحبت می‌شود که باید از قاموس انسانی حذف و یا به محض اعلام مشروطیت جدید در آنها تغییراتی داده شود و در این وقت است که باید ما تمام دستورهای خود را دفعتاً منتشر سازیم و در غیر این صورت هرگونه تغییرات حساسی ممکن است خطرناک باشد زیرا اگر این تغییرات با خشونت اجراء شود ممکن است مردم ناامید شوند و برعکس اگر با عطوفت اجراء گردد در نتیجه ما مجبور خواهیم شد که امتیازاتی را از دست بدهیم و در این صورت ما را ضعیف خواهند پنداشت و خواهند گفت که ما ترسیده‌ایم و در نتیجه به قدرت ما لطمه وارد خواهد شد. در هر دو حال نتیجه به ضرر مشروطیت جدید خواهد بود.

ما می‌خواهیم موقعی که مشروطیت جدید اعلام می‌شود مردم از این کودتا غافلگیر شوند و هیچ قدرتی مافوق قدرت ما نپندارند و به‌قدری ما را قوی بدانند که فقط توقع داشته باشند که به حساب بیایند و در این موقع نه تنها ما به عقائد و امیال آنها توجهی نخواهیم داشت بلکه با تمام قوا برای از بین بردن علائم و آثار عقائد و امیال

آنها خواهیم کوشید. باید مردم ایمان پیدا کنند که تمام لوازم و ابزارکار در اختیار ماست و به هیچوجه حاضر نخواهیم بود که قدرت خود را در اختیار آنها را بگذاریم.

در این موقع همه چشم‌ها را بسته و منتظر وقوع حوادث خواهند بود. مسیحیان مانند گله گوسفندی هستند و ما به منزلهٔ گرگ و البته می‌دانید که وقتی گرگ به آغل گوسفندان داخل می‌شود چه اتفاق می‌افتد. باز چشم‌های خود را خواهند بست زیرا ما وعده می‌دهیم که آزادی از دست رفته آنها را پس از آرام کردن دشمنان و ضعیف نمودن احزاب به دست آورده و مجدداً به آنها مسترد خواهیم نمود.

لازم به توضیح نیست بگوییم که مدت زیادی برای این رجعت به گذشته انتظار خواهند کشید. برای چه این سیاسنت را اختراع و به مسیحیان تلقین کرده‌ایم و در عین حال وسائل نفوذ در این سیاست را در اختیار می‌گذاریم؟

برای اینکه به این وسیله ما به مقاصدی نائل می‌شویم که مستقیماً وصول به آنها امکان‌پذیر نیست و این سیاست اساس فراماسونری سری ما را که دیگران به اصول آن پی نبرده‌اند تشکیل خواهد داد.

حتی مسیحیان کودنی که ما آنها را فقط برای خلط مبحث در نیروی محارب خود شرکت داده‌ایم از نقشه‌های تشکیلات سری ما سر در نخواهند آورد. خداوند به ما ملت منتخب قوه ایجاد نفاق را اعطاء نموده و با وجود ضعفی که در نژاد ما وجود دارد نیروی مرموزی به ودیعت نهاده که در نتیجه امروز ما را در آستانه حکومت جهانی قرار داده و برای ایجاد ساختمان عظیم حکومت آینده خودمان بر روی پایه‌های استواری که تاکنون بنا کرده‌ایم راه کوتاهی

باقی است.

فصل دوازدهم

«تعبیر کلمه آزادی، آینده مطبوعات، قلمرو فراماسون‌ها، نظارت بر مطبوعات نمایندگی‌های مبادله مکاتبات، ترقی در قاموس فراماسون‌ها، فراماسون‌ها در مطبوعات جدید، تحریک تمایلات اجتماعی، ثبات رژیم جدید.»

کلمه آزادی را که می‌توان به طرق مختلف تعبیر نمود این‌طور تفسیر می‌کنیم:

آزادی عبارت از حق انجام تمام چیزهائی است که قانون تجویز کرده. چنین تعبیری از کلمه آزادی مثل این است که تمام آزادی در اختیار ما باشد زیرا مطابق فصول گذشته قوانین برای خوش آیند ما هرچه را لازم باشد ایجاد و هر چه را مضر باشد از بین خواهند برد.

رفتار ما با مطبوعات

فعلاً مطبوعات چه وظیفه‌ای را به عهده دارند؟ مطبوعات فقط برای اطفاء تمایلات یا تقویت حس خودخواهی احزاب به‌کار می‌رود. مطبوعات به هیچوجه مثمر و مفید نبوده بلکه وضع آنها طوری است که اغلب قضاوتشان ظالمانه و دروغ است به طوری که عده زیادی اصولاً نمی‌دانند وظیفه مطبوعات چیست؟

ما در عین حالی که باید خود را از شر مطبوعات خلاص کنیم باید این عمل را درباره کتاب‌ها و نشریات نیز اجرا کنیم.

ما مطبوعات را طوری ترتیب خواهیم داد که برای حکومت ماممر در آمدی باشند و برای آن مالیات مخصوصی وضع خواهیم کرد و در موقع انتشار یک روزنامه یا تأسیس یک چاپخانه حق‌التضمینی دریافت خواهیم کرد و بدین ترتیب حکومت خود را از هر حمله‌ای که از طرف مطبوعات متصور باشد مصون و محفوظ می‌داریم و به‌موقع خود بی‌رحمانه مجازات را درباره ناشرین روزنامه‌ها مختلف اجرا می‌کنیم و از آنها جریمه دریافت می‌کنیم.

تمبر و حق‌التضمین و جریمه ممر درآمد عظیمی برای حکومت ما خواهد بود. لازم به تذکر نیست که روزنامه‌های احزاب دچار بی‌پولی خواهند شد و ما از موقع استفاده کرده به محض تکرار حمله آنها را از بین خواهیم برد و کسی نمی‌تواند به ثبات حکومت شکست‌ناپذیر ما خللی وارد سازد.

بهانه ما برای توقیف یک روزنامه این خواهد بود که مندرجات این روزنامه فکر مردم را تحریک می‌کند بدون اینکه دلیل یا علت آن را بیان کنیم. مخصوصاً توجه شما را به این نکته جلب می‌کنیم که

عده‌ای از روزنامه‌های مخصوص خودمان نیز در زمره روزنامه‌های توقیف شده خواهند بود چون ما برای از بین بردن بعضی چیزها و تغییرات دیگر آنها را وادار می‌کنیم که به خود ما حمله کنند و بعد آنها را توقیف و مقاصد خود را عملی می‌سازیم.

هیچ چیزی در اجتماع بدون نظارت ما اجرا نمی‌شود و این موضوع از اخباری که به وسیله عمال ما از نقاط مختلف دنیا به ما می‌رسد واضح و آشکار است و این عمال به منزله آژانس‌های ما خواهند بود که فقط آنچه راکه ما تجویز کنیم انتشار خواهند داد. حالا که ما افکار تمام اجتماعات مسیحیان را طوری قبضه کرده‌ایم که تمام اتفاقات دنیا را با عینکی که ما به چشم آنها گذارده‌ایم می‌نگرند. حالا که در مقابل ما مانعی وجود ندارد که ما را از تسلط به نکاتی که مسیحیان از روی حماقت آن را «اسرار حکومت» نام گذارده‌اند مانع شود پس موقعی که حکومت مطلق ما در جهان شناخته شود چه موفقیتی نصیب ما خواهد شد؟

هرکسی که بخواهد روزنامه‌ای منتشر کند. کتاب چاپ کند. چاپخانه تأسیس کند مجبور خواهد شد تصدیقی بگیرد و در هر موقعی که به علت کوچکترین انحرافی او را مقصر دانست تصدیق او را بلافاصله مسترد می‌نماید و بدین ترتیب کنترل افکار دیگران در دست حکومت ما خواهد بود به نحوی که نتوانند درباره فوائد پیشرفت و ترقی بیندیشند.

کسی است که نمی‌داند که این فوائد پیشرفت و ترقی خیالی فقط موهوماتی است که تصورات نامحدودی را در فکر می‌پروراند. کسی است که منکر شود که تمام کسانی که دعوی آزادیخواهی می‌کنند اگر

عملاً هرج و مرج طلب و آنارشیست نباشند دارای افکار هرج و مرج طلبانه می‌باشند.

هرکسی موهومات و تصورات باطل آزادی را تعقیب می‌کند و بالنتیجه به هرج و مرج مواجه می‌شود و فقط برای کیف و لذت اعتراض به جریان کارها اعتراض می‌کند.

برگردیم سر مطلب راجع به مطبوعات صحبت می‌کردیم.

ما طوری بر مغز ناشر نشریه مخالف خود خواهیم کوبید که خودش در زیر بار مالیاتی که به هر برگ آن تعلق خواهد گرفت از بین برود و کتاب‌هائی که کمتر از سی ورق باشند مالیات دو برابر خواهند پرداخت تا در نتیجه نویسندگان به تحریر کتاب‌های مفصل رغبت کنند و در نتیجه خوانندگان به علت گرانی آنها به خرید کمتر ابراز تمایل کنند و برعکس آنچه که خود ما منتشر می‌کنیم و طبق مصالح ماست به قیمت ارزان منتشر می‌کنیم که همه بتوانند بخرند و بخوانند.

مالیات شهوت نویسندگی را خاموش خواهد کرد و ترس از مجازات نویسندگان را به تبعیت ما وادار خواهد کرد. اگر کسانی پیدا شوند که بخواهند بر ضد ما چیز بنویسند کسی برای چاپ آنها تن در نخواهد داد و قبل از چاپ مدیر چاپخانه یا روزنامه مجبور است اجازه مقامات صلاحیت‌دار را کسب کند. بدین ترتیب ما از اقدامات دیگران قبلاً مستحضر شده و با عملیات خود آنها را خنثی می‌کنیم.

ادبیات و روزنامه‌نگاری دو قوه مهم و مؤثر در آموزش و پرورش هستند و برای همین است که حکومت ما تمام روزنامه‌ها را در اختیار خواهد گرفت و بدین ترتیب نفوذ نشریات مخالف را خنثی نموده و

در افکار عمومی رخنه می‌کنیم و اگر ده امتیاز نشر روزنامه بدهیم سی امتیاز دیگر برای مبارزه احتمالی با آنها نیز خواهیم داد. اغلب این روزنامه‌ها با هم رویه مخالف خواهند داشت و همین عمل رقبای ما را تحریک خواهد کرد که به آنها نزدیک شوند و بالاخره دست از مبارزه مستقیم با ما بردارند.

اخبار رسمی در صفحه اول و به نفع ما منتشر خواهد شد. در صفحه دوم اخبار معتدل و نظریات بی‌طرفانه طبع خواهد شد. در صفحه سوم نظریات مخالف خود را منتشر می‌سازیم و در ضمن روزنامه‌های خود یک روزنامه را با افکار کاملاً مخالف با افکار خود منتشر می‌سازیم که رقبای ما قطعاً به آن نزدیک خواهند شد و ما دست آنها را خواهیم خواند.

روزنامه‌های ما از همه فرقه خواهند بود. طرفدار حکومت اشرافی، حکومت جمهوری، انقلابی و بالاخره آنارشیست و قریب صد شعبه خواهند داشت که با هر شعبه‌ای تغییراتی در جامعه به‌وقوع خواهند آورد.

این تغییرات کاملاً بر وفق مراد ما انجام خواهند شد زیرا یک فرد پریشان حواس نمی‌تواند استدلال کند و کورکورانه هرچه را به او بگویند انجام می‌دهد و نادانانی که به تصور خود جبهه مخالف ما را تقویت می‌کنند در حقیقت همان مسیری را که برای آنها تعیین کرده‌ایم طی خواهند کرد.

برای هدایت قافله روزنامه نگاران خودمان باید با دقت کامل تشکیلات صحیحی داد.

به‌نام دفتر مرکزی مطبوعات انجمن‌های ادبی تشکیل خواهیم داد

که در آن انجمن‌ها عمال ما بدون اینکه کسی توجه کند دستورات ما را بیان می‌کنند در نتیجه مباحثه نکاتی را که ما نمی‌توانیم در مرتبه اول بیان کنیم واضح و آشکار خواهیم کرد و از این جملات این‌طور مفهوم خواهد شد که اتباع ما حق دارند آزادانه صحبت کنند و این مباحثات فرصتی به عمال ما می‌دهد که بگویند مخالفین ما فقط با حرف و پرگوئی و بدون ذکر دلیل می‌خواهند استدلالات منطقی ما را خنثی نمایند. این اقدامات ما که از افکار عمومی پوشیده است توجه و اعتماد همه را به ما جلب خواهد کرد و به وسیله آن هر قدر که بخواهیم افکار عمومی را در امور سیاسی تحریک یا آرام می‌کنیم و با نشر حقیقت یا دروغ ملت را خاطرجمع و آرام یا مشوش و منقلب می‌سازیم و در هر عمل اثر آن را در مردم مشاهده می‌کنیم و در هر زمینی که پا می‌گذاریم قبلاً با احتیاط زیرپای خود را آزمایش می‌کنیم و تا نیل به فتح و پیروزی با وسائلی که در اختیار خود گرفته‌ایم و مخالف ما فاقد آن است مبارزه را ادامه می‌دهیم.

فعلاً در روزنامه نگاری فرانسه آثار فراماسونی مشهود است و تمام مطبوعات با رشته اسرار حرفهٔ بهم مربوطند و هیچیک از اعضاء این سلسله اطلاعاتی به خارج نمی‌دهد مگر اینکه دستوری دریافت دارد.

هیچ روزنامه‌نگاری این راز را فاش ننموده و خیانت نخواهد کرد زیرا هیچیک از آنها نیستند که در تاریخ گذشته خود لکه خیانتی نداشته باشند به محض افشاء این اسرار این لکه‌های خیانت فاش خواهند شد. هرچند که این لکه‌های خیانت در شرح حال ورود روزنامه‌نگاران موجود است ولی رویهمرفته اجتماع آنان توجه

اکثریت ملت را بیشتر جلب می‌نماید. این اقدامات ما در شهرستان‌ها هم اجراء خواهد شد و تمایلات اهالی را برضد تمایلات پایتخت تحریک نموده و تاموقعی که قدرت کامل به دست نیاورده‌ایم بدیهی است به وسیله عمال خود در پایتخت‌ها نظر و افکار عمومی ملت را جلب می‌کنیم.

وقتی که در دوره حکومت جدید خود وارد می‌شویم در مطبوعات خودمان نباید از ملت تنقید کنیم و باید این طور جلوه دهیم که رژیم جدید همه را راضی کرده به قسمی حتی دیگر جنایتی مشاهده نمی‌شود و هیچوقت درباره جنایات نبایستی به تفحص و بحث پرداخت مگر آنکه قربانی‌ها و شاهدین وقوع جنایت معلوم و مشخص باشند.

فصل سیزدهم

احتیاج به نان روزانه ـ مسائل سیاسی ـ مسائل صنعتی ـ تفریحات ـ خانه ـ حقیقت یکی است ـ مسائل مهم.

احتیاج به نان و رزق روزانه مسیحیان را خفه کرده و آنها را در زمرهٔ بندگان ما وارد خواهد کرد. عمالی که در بین آنها هستند به دستور ما به گفتگو خواهند پرداخت و از نتایج مباحثات آنها استفاده کرده و تصمیماتی خواهیم گرفت که هیچکس برای فسخ آنها جرأت اقدام نخواهد داشت زیرا چنین جلوه می‌دهیم که این تصمیمات برای پیشرفت ملت مفید خواهد بود.

مطبوعات هم به نوبه خود توجه عمومی را به مسائل جدیدی جلب خواهد نمود (البته می‌دانید که برای کشف و طرح مسائل

جدید عمال مخصوصی به کار گمارده‌ایم) و چند نفر احمق و نادان نیز این موضوعات را بدون اینکه بفهمند تقویت خواهند نمود.

به مسائل سیاسی همه کس دسترس ندارد به جز کسانی که این مسائل را ابداع کرده‌اند و چندین قرن است که این افراد سیاست را در دست دارند.

از تمام این مقدمات پی خواهید برد که این اقدامات فقط اجرای نقشه‌های ما را تسهیل خواهد نمود و به‌نظر می‌رسد که ما نسبت به اقدامات خود دائماً تکرار می‌کنیم که رهبر و راهنمای ما فقط امید و اطمینان به این است که اقدامات ما به نفع ملت تمام خواهد شد.

برای اینکه توجه اشخاص پرشور را از مسائل سیاسی منحرف سازیم مسائل جدیدی را مطرح می‌کنیم و اغلب این مسائل از نوع صنعتی خواهند بود و ترتیبی خواهیم داد که شور و انرژی آنها در این راه مصرف شود در نتیجه توده ملت بدون اینکه کار مثمرثمری انجام دهد و فقط به مسائل سیاسی که خود ما در اختیارشان گذارده‌ایم توجه خواهند کرد و در اثر این توجه بسیاری از افراد مسیحی با دولت مسیحی خود مبارزه خواهند نمود به امید اینکه مشاغل جدیدی را اشغال کنند. و برای اینکه افکار آنها متوجه نکات دیگر نشود آنها را به تفریح و بازی و مشغولیات و لهو و لعب و طرح مسابقه‌های صنعتی ورزش مشغول خواهیم کرد و در نتیجه این کارها مردم را از توجه به‌افکاری که ما باید با آنها مبارزه کنیم منحرف خواهد کرد و بعد از چندی همین اشخاص سیاست ما را تعقیب نموده و به وسیله آنها در توده‌های مسیحی رخنه می‌کنیم و به محض اینکه رژیم ما به رسمیت شناخته شد وظیفه آنها خاتمه خواهد یافت.

تا اینجا این اشخاص کمک قابل توجهی به ما کرده‌اند و فقط به‌تصور اینکه این اعمال برای پیشرفت ملت مؤثر است به انجام آن مبادرت می‌نمایند و از همین نظر ما به انتشار افکار به اصطلاح ترقیخواهانه خود ادامه خواهیم داد در صورتی که از این افکار هیچ نتیجه مادی حاصل نخواهد شد چون حقیقت یکی است و تغییرپذیر نیست.

ترقی و پیشرفت فکر غلطی است که برای تیره کردن حقیقت استعمال می‌شود تا کسی آن را نیابد به استثنای ما که ملت منتخب آفریدگار هستیم.

وقتی که نوبت حکومت ما فرا رسید خطبای ما درباره مسائل اساسی که باعث تعجب بشر خواهد گردید داد سخن خواهند داد تا همه را به تبعیت رژیم ما درآورند.

چه کسی می‌تواند شک نماید که تمام این مسائل مخلوق ما بوده و طبق نقشه‌های اساسی سیاسی شالوده آن ریخته شده و هیچکس از قرن‌های بسیار گذشته نتوانسته به این موضوع توجه داشته یا حدسی زده باشد.

فصل چهاردهم

مذهب آینده ـ بردگی و غلامی ـ عدم امکان شناسائی رموز مذهب آینده ـ آینده مطبوعات

موقعی که حکومت ما فرا رسد وجود هیچگونه مذهب دیگری را به جز ایمان به خدای یکتای خود نخواهیم شناخت خدای یکتائی که مقدرات ماکه ملت منتخب او هستیم در دست اوست و سرنوشت دنیا را بسته به مقدرات نموده.

برای این منظور ما باید تمام معتقدات دیگران را از بین ببریم و اگر کسانی باشند که منکر خدا باشند در افکار ما تأثیری نخواهد داشت بلکه برای تمام نسل‌ها به منزله سرمشقی خواهد بود که پس از مطالعه در پیش‌بینی‌های مذهب موسی و موفقیت‌هائی که نصیب پیروان او شده با ما متحد خواهند شد و در این موقع شروع خواهیم کرد به

انتشار مقالاتی که ضمن آن رژیم خود را با رژیم گذشتگان مقایسه کرده و بعد از قرن‌ها آشوب و اضطراب آرامشی را که به قیمت تسلط ما بر دنیا به دست آمده بر قرار می‌سازیم.

خطاهای تشکیلات اداری مسیحیان را به طور برجسته از اوضاع منتشر می‌کنیم که استراحت خود را در بندگی ما دانسته و غلامی ما را برآزادی که به نام آن مدتی مضطرب و پریشان بوده و حق زندگی را یک عده مردم بی‌وطن از آنان سلب نموده ترجیح دهند.

تغییرات بی‌فایده حکومت‌هائی که ما مسیحیان را به سوی آنها سوق می‌دهیم به قدری ملت‌ها را خسته کرده که ترجیح می‌دهند خطرات انقلاب‌های نوینی را از جانب ما تحمل نمایند.

ما مخصوصاً قصور تاریخ گذشته حکومت‌های مسیحیان را انگشت‌نما نموده و نشان خواهیم داد چگونه عالم انسانیت به صرف توهم در جستجوی نکات موهومی بوده و توجه نداشته‌اند که نقشه‌های آنها به عوض اصلاح اوضاع بر وخامت آن خواهد افزود.

فیلسوفان ما تمام معایب معتقدات مسیحیان را تشریح خواهند کرد ولی هیچکس مذهب ما را از نظر حقیقی تفسیر نخواهد نمود زیرا هیچکس به عمق آن پی نبرده و اگر برده‌اند کسانی هستند که از خودمان بوده و حاضر نخواهند بود که به اسرار خود خیانت کنند.

در ممالکی که مترقی نامیده شده‌اند ما ادبیات جنون‌آمیز و کثیفی را ایجاد کرده و دانشمندان ما که برای تعلیم و هدایت مسیحیان تربیت شده‌اند خطابه‌هائی تنظیم خواهند نمود و نقشه‌هائی خواهند کشید و جزوه‌ها و مقالاتی منتشر خواهند کرد که عامل مؤثر نفوذ ما در افکار مسیحیان بوده و به وسیله این نشریات مسیحیان را به افکاری که از طرف ما تحمیل می‌شود آشنا و سازگار خواهیم کرد.

فصل پانزدهم

«کودتای جهانی ــ محکومیت‌های به مرگ ــ سرنوشت آینده فراماسون‌های مسیحی ــ قدرت ــ تشکیلات مرکزی ــ دانشمندان ــ فراماسوزی راهنمای تمام اجتماعات مخفی است ــ اهمیت پیشرفت توده ــ فدائیان ــ محکومیت‌های فراماسون‌ها به مرگ ــ از بین رفتن قدرت قانون و حکام ــ پیش درآمد انتخابات ــ اختصار و وضوح قوانین سلطنت آینده ــ اطاعت از قدرت ــ اقدامات بر ضد سوءاستفاده از قدرت ــ بی‌رحمی در مجازات ــ حدود سن قضات ــ آزادی قضات ــ پول جهانی ــ حکومت مطلقه فراماسون ــ حق قویتر پادشاه اسرائیل رهبر جهان است.»

هنگامی که به کمک کودتائی که مقدمات آن رااز هر حیث فراهم نموده‌ایم نوبت حکمفرمائی ما فرا می‌رسد و پس از معدوم شدن کلیه حکومت‌های دیگر (شاید تا یک قرن دیگر این عمل انجام شود). سعی خواهیم کرد که توطئه‌ای برضد ما صورت نگیرد و برای اجراء این نقشه تمام کسانی را که با اسلحه برضد ما قیام کنند و تمام مؤسسین انجمن‌ها و محافل سری را نیز محکوم به مرگ می‌کنیم و کسانی را که روزی به ما خدمت کرده و یا روز دیگری ممکن است به‌درد ما بخورند به نقاط دور افتاده اروپا تبعید می‌کنیم و بدیهی است طرز رفتار با فراماسون‌های مسیحی نیز به همین نحو خواهد بود و کسانی که بخشوده شوند درگوشهٔ تبعیدگاه مادام‌العمر به سر خواهند برد و قانونی وضع خواهیم کرد تا کسانی که عضو محافل و مجامع سری بوده‌اند مرکز حکومت ما یعنی اروپا را ترک کنند و تصمیم حکومت ما قطعی است و قابل تجدید نظر نخواهد بود.

در مجامع مسیحیان که در همه جا ریشه‌های عظیمی از نفاق و عدم توافق کاشته‌ایم با تصمیمات بی‌رحمانه مقاصد خود را اجرا می‌کنیم و نباید به کسانی که در این راه قربانی می‌شوند بیندیشیم.

وظیفه هر حکومتی نه تنها این است که از مزایای خود بهره‌مند شود بلکه باید وظائف خود را انجام دهد و به مقاصد خود حتی به بهای قربانی‌های گرانبها برسد.

برای این منظور باید حکومت مقتدر باشد تا بتواند نشانه‌ای از انتخاب خداوند آفریدگار باشد و تاکنون چنین حکومتی حکومت روسیه بوده که تنها طرف مبارز ما بوده برای نیل به مقصود تشکیلات فراماسونی خود را توسعه داده و ما در همه جا عمال مبتکری را به‌کار

می‌گماریم و دفتر کار این عمال مهمترین و مؤثرترین دستگاه نفوذ ما خواهد بود و تمام این دفاتر کار زیر نظر اداره‌ای که از دانشمندان و زعمای ما تشکیل شده اداره خواهد شد هر دفتری در این اداره نماینده‌ای خواهد داشت و برنامه هر دفتر به وسیله او در اداره مرکزی تنظیم می‌شود در این دفاتر هسته شخصیت‌های انقلابی و آزادیخواه تشکیل می‌شود. تمام طرح‌های سیاسی به‌محض بروز دردسترس ما قرار خواهد گرفت. اگر اغتشاشی رخ دهد معنی آن این است که ما احتیاج به مشوب نمودن امنیت عمومی داریم تا در نتیجه قدرت بیشتری به دست آوریم و اگر توطئه‌ای ظهور کند رئیس این توطئه قطعاً یکی از خادمین وفادار ما خواهد بود.

بدیهی است که هیچکس جز ما در تعقیب کارهای فراماسونری نیست و ما هستیم که هدف نهائی خود را می‌دانیم و مسیحیان به هیچوجه مقصود قطعی و نتیجه فوری اقدامات را درک نمی‌کنند و به پیشرفت تدریجی خود در انجام نقشه‌ای که خود ما برای آنها طرح کرده‌ایم قناعت می‌ورزند. مسیحیان که خیلی تملق دوست هستند شروع به سخنرانی‌هائی که اساسی ندارد خواهند نمود. بدین منظور که مورد تحسین و تمجید ملت واقع شوند و ما هم در این باب برای ارضای خاطرشان مضایقه نخواهیم کرد و نمی‌توانید تصور کنید که باهوش‌ترین مسیحیان را ممکن است بر اثر ارضای حس خودخواهی مجبور کرد به اقداماتی مبادرت کنند که هیچ ساده لوح مسیحی به انجام آن مبادرت نمی‌کند. بدیهی است هر موقع که مصالح ما اقتضا کرد جلوی تمجید و تحسین مردم را به وسیله عمال خود می‌گیریم هرقدر که ما برای اجرای نقشه‌های خود حاضریم که از موفقیت‌ها و

اغراض شخصی خود از انجام نقشه‌های خودصرف نظر کنند و همین اطلاع از روحیه مسیحیان برای تسلط و نظارت برآنها کافی است.

این مردمانی که ظاهراً مثل پلنگ به‌نظر می‌رسند در باطن مانند گوسفندند و مغزشان خالی است و فکر کوتاهشان با فکر ما قابل مقایسه نیست. چقدر دانشمندان قدیمی ما مآل اندیش و روشنفکر بودند که می‌گفتند **برای رسیدن به هدف نبایستی در مقابل وسائل توقف کرد و تعداد قربانی‌ها را شمرد.**

ما به قربانی‌های مسیحیان توجهی نداریم و هر چند خودمان هم قربانی‌هائی داده‌ایم ولی در عوض برای ملت خود قدرتی به دست آورده‌ایم که هرگز در خواب هم نمی‌توانست تصور آن را به خاطر راه دهد و این قدرت به قیمت تعداد محدودی قربانی به دست آمده.

بالاخره خاتمه اجتناب‌ناپذیر زندگی هر فردی مرگ است و بهتر است که مرگ کسانی را که با اقدامات ما مبارزه می‌کنند قبل از اینکه مرگ ما فرا رسد نزدیک نمائیم.

در مواقع ضروری موجبات مرگ فراماسون‌ها را فراهم می‌سازیم و این‌طور وانمود می‌کنیم که آنها در اثر بیماری معمولی جان سپرده‌اند و در عین حال که به مسیحیان آزادی می‌دهیم نمی‌گذاریم پیروان ما و عمال ما از جاده اطاعت و فرمانبرداری مطلق پا فراتر بگذارند.

در اثر نفوذ ما اجراء قوانین مسیحیان به‌کمترین درجه تنزل خواهد نمود و قوانین اهمیت خود را بر اثر تفسیرهائی که می‌کنیم از دست خواهد داد.

در مباحثات و مسائل سیاسی و اصولی قضات طبق تجویز ما و بنا

به اوضاع و احوال و اقتضای زمان تصمیم می‌گیرند و برای انجام این مقصود از وجود اشخاصی که هیچکس تصور نمی‌کند با ما ارتباط داشته باشند استفاده می‌کنیم و همین‌طور به وسیله مطبوعات و سائر وسائل دیگر نظر خود را ابراز می‌داریم.

تمام افراد برجسته مسیحی کورکورانه به علت فکر و روح کاملاً حیوانی خود اندرزهای ما را خواهند پذیرفت و همین اختلاف سطح‌فکری بین ما و مسیحیان است که در جامعه انسانیت کلمه منتخب را مخصوص ما نموده و فکر مسیحی می‌بیند ولی پیش‌بینی نمی‌کند و به جز چیزهای مادی نمی‌تواند ابداع و اختراع کند و از اینجا می‌توان پی برد که طبیعت هم‌چنین مقدر کرده که ما بر دنیا حکمفرمائی و حکومت کنیم.

وقتی که زمان حکمفرمائی بی‌پروای ما فرا رسد به نحوی که بتوانیم منافع حکومت خود را بیان کنیم شروع به قانون گذاری خواهیم نمود و قوانین ما کوتاه و روشن و محکم و بدون حشو و زائد تنظیم خواهند شد به طوری که هر کس بتواند آنها را بفهمد و نکته مهم این قوانین اطاعت مطلق از دستگاه حاکمه است و چون همه به سهم خود در مقابل یکدیگر و بالاخره در مقابل حاکم مطلق مسئول هستند تمام سوء استفاده‌ها از بین خواهد رفت و هر کس بخواهد از قدرت خود استفاده کند چنان تنبیه خواهد شد که هیچوقت تصور چنین فکری را به خود راه ندهد و وقتی که از هر تجاوزی جلوگیری شد و متجاوز که ممکن است کارمند یک مؤسسه دولتی باشد در پنجه مجازات‌های سخت گرفتار شد نظیر این تجاوز رخ نخواهد داد و قدرت ما موقعی ظاهر خواهد شد که برای کوچکترین انحراف از

قانون مجازات شدید را به موقع اجراء بگذاریم و محکومی که به‌مجازات سختی محکوم شده مانند سربازی خواهد بود که در عرصه میدان جنگ قرارگرفته و قضات هم می‌دانند که اگر بخواهند از بیچاره احمقی حمایت کنند اساس قانون دادگستری را متزلزل کرده‌اند در صورتی که دستگاه عدالت برای اجراء مجازات تجاوزهاست نه برای ترحم.

سن کسانی که در دستگاه دادگستری کار خواهند کرد نباید از پنجاه و پنج سال تجاوز کند چون پیرمردان از یک طرف در عقیده خود مصرند و حاضر نیستند دستورهای دیگران را اجرا کنند و از طرف دیگر ما بهتر خواهیم توانست کارمندان را به میل خود تبدیل با حسن نمائیم. کسی که می‌خواهد مقامش همیشه محفوظ باشد باید کورکورانه اطاعت کند. به‌طور کلی قضات ما بین کسانی انتخاب می‌شوند که می‌دانند کار آنها فقط اجراء قوانین و مجازات است نه برای آزادی که امروز مسیحیان تصور می‌کنند.

قضات امروزه مسیحی چون عاقبت خود را نمی‌دانند در اجراء مجازات‌ها توجهی ندارند چون دستگاهی که آنها را به کار گمارده حس ایمان به انجام وظیفه و وجدان را به آنها تلقین نکرده و انتظار ندارد.

همان‌طور که حیوان بچه‌های خود را به سراغ شکار و طعمه می‌فرستد حکومت مسیحیان آنها را به دفاتر کار خود که به بهترین وجهی تهیه شده اعزام می‌دارد بدون اینکه بیان کند و توجه داشته باشد که این دفتر برای چه تهیه شده و برای همین است که حکومتشان به دست خودشان و با اعمال و طرز اداره خودشان از هم

پاشیده خواهد شد.

بیائیم از آنچه گذشت نتیجه‌ای به نفع رژیم خود بگیریم.

باید فکر آزادیخواهی را از کلیه مشاغل و مقامات مهم و حساس حکومت خودمان دور کنیم و فقط کسانی را که برای این مشاغل قبلاً تربیت نموده‌ایم به‌کار بگماریم. ممکن است این فکر پیش بیاید که برکناری کارمندان قدیم از مشاغل خودشان ممکن است به ضرر خزانه و خیلی گران تمام شود ـ ما برای این کار هم فکری کرده‌ایم و برای این اشخاص که کار خود را از دست می‌دهند کارهای آزاد دیگری قبلاً تهیه کرده‌ایم و از طرف دیگر چون پول تمام ملت در دست ماست نباید برای این مخارج اضافی نگران باشیم و برای همین است که همه برای انجام فرمان ما کمر همت و فرمانبرداری خواهند بست.

ما به هیچ زمزمه و عدم رضایتی گوش نخواهیم داد و هر آشوبی را با اجراء مجازات خاموش می‌کنیم و هیچ حکم مجازاتی قابل تجدید نظر نخواهد بود زیرا ما نمی‌خواهیم مردم تصور کنند که قضات ما ممکن است حکم غلطی صادر کنند که در نتیجه قابل تجدید نظر باشد و در موارد استثنائی صدور حکم تجدید نظر با خود ما خواهد بود و نوع مجازات کاملاً شبیه به مجازاتی خواهد بود که قضات تعیین کرده‌اند تا اینکه در آتیه مردم تصور تقاضای تجدید نظر را به فکر خود راه ندهند.

باز تکرار می‌کنیم که ما در انجام امور اداری نظارت کامل خواهیم داشت زیرا یک حکومتی وقتی خوب است که کارمند آن خوب باشد. حکومت باید مثل یک پدر مهربان از اختیارات و اقدامات و

روابط اتباع خود آگاه باشد و در این صورت مردم که جز راحتی و آرامش چیزی نمی‌خواهند از حکومت مطلقه ما اطاعت کورکورانه خواهند نمود و وقتی دیدند که کارمندان دستگاه حکومتی اغراض شخصی را مداخله نداده و فقط دستورات هیأت حاکمه را اجرا می‌کنند اطاعت خود را به دستگاه به مرحله پرستش می‌رسانند و آسوده خاطر به عملیات حکومتی که مانند پدر و مادر عاقل و دانائی فرزندان خود را سرپرستی می‌کند با دیده تحسین می‌نگرند.

سایر ملل در مقابل اسرار سیاست ما به منزله اطفال صغیری هستند و حکومت آنها هم در مقابل حکومت ما ناچیز است.

به‌طوری که شرح دادیم **حکومت استبدادی ما بر اساس حق و وظیفه استوار گردیده حق تقاضای انجام وظیفه اولین وظیفه حکومت ماست و این حق به منزله پدر اتباع حکومت ماست و حق قویتر از آن حکومت ماست که باید جامعه انسانیت را به نظم مطلق عالم که همان اطاعت است رهبری نماید هر چیزی در دنیا مطیع است و اگر مطیع بشر نیست از اوضاع و احوال و یا طبیعت خود تبعیت می‌کند و در هر حال مطیع قویتر از خود می‌باشد. پس برای اینکه از ما اطاعت کنند باید قوی باشیم.**

بدون تردید باید بدانیم که برای برقراری نظم باید چند نفر را قربانی کنیم **چون اجراء مجازات سخت درباره بعضی برای تربیت دیگران بهترین درس عبرت خواهد بود.** در این موقع پادشاه اسرائیل تاجی را که اروپا به او تقدیم خواهد کرد روی سر مقدس خود گذارده و رهبر تمام عالم خواهد شد و تعداد کسانی که در راه او قربانی شده‌اند هیچوقت به اندازه قربانی‌هائی که در دوره چندین قرن

مسیحیان دیوانه‌وار از دست داده‌اند نخواهد رسید.

پادشاه ما همیشه با ملت خود در تماس خواهد بود و پیوسته برای آن خطابه‌هائی ایراد خواهد کرد که در تمام دنـیا مـنعکس و مـنتشر خواهد گردید.

فصل شانزدهم

دانشگاه‌ها ــ کلاسیسم ــ تربیت و شغل ــ اعلام اقتدار حکومت در مدارس ــ حذف تعلیمات آزادی فرضیه‌های جدید ــ استقلال فکر ــ تعلیم به وسیله تصویر.

برای اینکه معنویات را به کلی از بین ببریم دانشگاه‌ها را از تشکیلات حذف می‌کنم چون دانشگاه اساس و پایه معنویات هر ملت است و بعد از آن دانشگاه‌های دیگری با برنامه‌های مخصوصی که طبق نظر خودمان تنظیم شده تشکیل می‌دهیم. روساء و استادان دانشگاه به‌طور سری و با برنامه‌های مشروح و مرموز که به هیچوجه نمی‌توانند از حدود آنها منحرف شوند انتخاب می‌کردند. انتصاب آنها با نهایت احتیاط صورت خواهد گرفت و کاملاً تابع حکومت ما

خواهند بود.

ما تعلیم حقوق مدنی و تمام مسائل مربوط به امور سیاسی را از برنامه حذف می‌کنیم و فقط این دروس را به چندین نفر که نبوغی ابرازکرده باشند به انتخاب خودمان تعلیم خواهیم نمود. دانشگاه‌ها نباید بگذارند اشخاصی از آنجا خارج شوند که درصدد طرح‌های اساسی و سیاسی که پدران آنها هم از فهم آنها عاجز بوده‌اند. برآیند.

همین عدم آشنائی به امور سیاسی است که در نتیجه ملاحظه می‌کنید تربیت عمومی مسیحیان تا این اندازه به انحطاط متمایل گردیده و از همین نظر است که ما باید تمام عواملی را که برای تضعیف ارکان فرهنگ و نظم اجتماعی آنها مؤثر بوده تقویت نمائیم ولی از دستور تعلیم و تربیت تمام نکات و موادی را که ممکن است در جوانان افکار آشوب طلبانه تولید کند حذف می‌کنیم تا طبقه جوانان یک عده مطیع و فرمانبرداری باشند که تکیه‌گاه و امید آنها دستگاه حکومت ما باشد که آرامش و راحتی آنها را تأمین می‌نماید. ما به جای این دروس کلاسیک و مطالعه تاریخ گذشته که به منزله سرمشق نامتناسبی می‌باشد برنامه مطالعه آینده را به جریان می‌گذاریم و از دستور تدریس مدارس تمام موادی که مربوط به تاریخ گذشته است به استثنای موادی که مربوط به اشتباهات مسیحیان می‌باشد حذف می‌نمائیم.

تنظیم شرایط زندگی عملی و اجتماعی و طبیعی و تعلیم روابط مردم با یکدیگر برطبق اصول روانشناسی برای هر طبقه به‌طور اختصاصی در صدر برنامه اصلی ما قرار خواهد گرفت.

هر طبقه در حدود معینی تحصیل تعلیمات لازمه را خواهد نمود

و این تعلیمات در عین حال متناسب با هدف و نوع کار افراد می‌باشد.

فقط طبقه‌ای که نبوغ خود را ابراز داشته‌اند می‌توانند و خواهند توانست از یک طبقه به طبقه دیگر داخل شوند ولی افرادی که در طبقه خود ابراز لیاقتی نکرده‌اند حتی در موارد استثنائی نبایستی به طبقه دیگر منتقل شوند و اگر این امر صورت پذیرد به منزل دیوانگی و جنون محض خواهد بود زیرا بر ما معلوم است که عاقبت مسیحیانی که به این قبیل اقدامات دست زده‌اند به کجا انجامیده.

برای اینکه حکومت ما جای خود را در قلب افراد ملت محفوظ دارد بایستی با تعلیم در مدارس و محافل عمومی اهمیت و وظایف و فعالیت‌های خود را که در نتیجه موجبات آسایش و رفاه ملت را فراهم می‌کند گوشزد کند.

تمام آموزشگاه‌های اختصاصی و آزاد را منحل خواهیم کرد و دانشجویان می‌توانند با والدین خود در کلاس‌های درس حضور بهمرسانند و در این مجالس معلمین راجع به روابط افراد در زندگی اجتماعی و آداب و رسوم تقلیدی و اجراء قوانین و رقابت‌های نامحدود از فلسفه و فرضیه‌های جدید که هنوز برای بسیاری از افراد عالم مجهول است سخنرانی خواهند کرد.

از این فرضیه‌ها اصل مسلمی تنظیم نموده و از آنها به نفع خود استفاده خواهیم کرد و وقتی مواد برنامه عمل خود را در گذشته و آینده برای شما به پایان رسانیدیم اساس این فرضیه‌ها را بیان خواهیم کرد.

به‌طور مختصر با مطالعه به جریانات چندین قرن تصدیق خواهیم کرد که فکر رهبر بشر بوده و فکر هم به وسیله تربیت به افراد تلقین

شده و از همین نظر از پرتو افکار مستقلی که در انجام مقاصد ما مفید واقع شوند استفاده خواهیم کرد و در مواردی که نتوانیم عقائد خود را به وسیله افکار تعلیم نمائیم از سیستم تعلیم به وسیله تصویر استفاده خواهیم کرد زیرا لازم خواهد بود که مسیحیان را به حیوانات مطیعی تبدیل نمائیم که برای پی بردن به وجود چیزی باید تصویر آن را ملاحظه نمایند.

در فرانسه یکی از بهترین عمال ما برنامه تعلیم به وسیله تصویر را متداول کرده است.

فصل هفدهم

نفوذ کشیش‌های مسیحی ـ آزادی وجدان پادشاه یهودیان ـ وسائل مبارزه با معابد مطبوعات معاصر ـ تشکیلات پلیس ـ پلیس داوطلب ـ جاسوسی طبق برنامه اجتماع یهود ـ سوءاستفاده از قدرت.

در مکتب ما افراد خونسرد و بی‌رحم و بی پرنسیپ تربیت خواهند شد که هیچوقت توجهی به اشخاص نداشته و فقط از نظر اجرای خشک قوانین، عمل می‌کنند و فقط به فکر دفاع از ما بوده و به‌هیچوجه نفع اجتماع را در نظر نمی‌گیرند و به هر قیمتی که باشد به‌دستگاه قضاوت متوسل شده و مقاصد ما را اجراء می‌کنند و از همین نظر دستگاه قضائیه را فاسد جلوه می‌دهند.

وکلای مدافع مانند قضات از مبادله مکاتبات و ارتباط با دادخواهان ممنوع و محروم می‌باشند. پس از اطلاع از جریان امر به‌وسیله قضات مدارک را مورد مطالعه قرار داده و مطابق فهم خود آنها را تحلیل و تجزیه نموده و پس از محاکمه آنها در حضور قضات و روشن شدن از جریان قضایا به مدافعات خود مبادرت می‌نمایند و این امر باعث می‌شود که دیگر رای محاکم به نفع رشوه دهندگان نباشد.

البته ما سعی خواهیم کرد که دستگاه رهبران مذهبی مسیحی و تشکیلات آنها را که ممکن است مزاحم ما باشند از هم متلاشی نمائیم و در همه جا آزادی وجدان را اعلام نمائیم به‌طوری که در نتیجه برای از بین بردن و معدوم نمودن کامل مسیحیان فقط چند سالی دیگر وقت کافی باشد و بدین ترتیب در سایر مذاهب نیز به هدف خود نزدیکتر می‌شویم. ولی البته صحبت راجع به آنها فعلاً قدری زود است.

وقتی که زمان معدوم نمودن دربار مذهبی فرا رسید انگشت یک دست نامرئی این دربار را به ملت‌ها نشان خواهد داد ولی وقتی که ملت به این کار قیام کرد ما به عنوان مدافعه برای جلوگیری از خونریزی جلوگیری خواهیم کرد و بدین ترتیب در داخل دستگاهی نفوذ خواهیم کرد که به هیچوجه تا موقعی که تا آخرین درجه خراب نشده از آن خارج نخواهیم شد. **در این موقع پادشاه یهودیان رهبر مذهبی معبد بین‌المللی خواهد بود.**

ولی تا موقعی که طبقه جوانی که دارای تمایلات مذهبی موافق با خودمان باشد تربیت نکرده‌ایم بر علیه معابد اقدامی نخواهیم کرد

بلکه فقط با تنقید و تحریک احساسات مردم با آنها مبارزه خواهیم نمود.

به‌طور کلی مطبوعات معاصر ما پرده از روی کارهای دولت برخواهد داشت و عدم لیاقت و ظرفیت مسیحیان را آشکار خواهد کرد به‌نحوی که همه از ریاکاری‌ها متنفر شده و نجات دهنده خود را در بین نژاد ما جستجو نمایند.

ما بدون توجه به دستگاه پلیس رسمی یک ثلث از اتباع خود را فقط برای نظارت در کارهای بقیه اتباع خود به‌طور داوطلب به‌کار خواهیم گمارد. بدیهی است جاسوسی کار شرم آوری نخواهد بود بلکه قابل تحسین نیز می‌باشد ولی اگر کسی این وظیفه خود را بد انجام دهد بیرحمانه تنبیه خواهد شد تا دیگران از این حق خود سوءاستفاده نکنند. عمال ما هم از طبقه اول و هم از طبقه پست و از بین دستگاه اداری و مدیران جرائد و مطابع و کتابخانه‌ها و کارگران و حتی درشکه‌چی‌ها و غیره انتخاب می‌شوند.

پلیس ما که اختیاراتی نداشته و نمی‌تواند به میل خود اقداماتی بکند فقط مأمور اکتشاف است و تصدیق عملیات آنها با عده‌ای خواهد بود که در کار آنها نظارت دارند و تمام بازداشت‌ها به وسیله ژاندارم و گارد شهری انجام خواهد شد و کسی که گزارش خلاف واقعی درباره جرمی بدهد مجازاتش مانند کسی خواهد بود که این جرم را مرتکب شود.

همانطور که امروز برادران ما مجبورند برای مسئولیتی که دارند کسانی راکه بر ضد دستگاه ما اقدام می‌کنند معرفی نمایند در دستگاه حکومت عالمگیر ما خدمت به دستگاه حاکمه اجباری است.

چنین تشکیلاتی هرگونه سوءاستفاده از قدرت را از بـین بـرده و موجبات فساد را معدوم خواهد نمود.

برای افزایش اختلال و بی‌نظمی در دستگاه مسیحیان از مأمورین انتظامات خود استفاده خواهیم کرد و به این مأمورین به منظور اجراء مقاصد شومی که عهده دارند اجازه و اختیار هرگونه سوءاستفاده از قدرت را خواهیم داد.

فصل هیجدهم

برقراری امنیت ــ مراقبت و نظارت ــ خرابی دستگاه قدرت ــ گارد پادشاه یهودیان ــ اهمیت قدرت ــ جلوگیری از سوءظن.

وقتی که لازم باشد دستگاه پلیس خود را تقویت کنیم به وسیله خطبای خود از اوضاع اظهار عدم رضایت نموده و پیوسته بی‌نظمی و اغتشاش ایجاد نموده و به تظاهرات آشوب‌طلبانه مبادرت می‌کنیم و کسانی که دارای همین افکار باشند به تدریج به ما خواهند پیوست و در این موقع ما مجاز خواهیم بود که به وسیله عمال خودمان که در دستگاه پلیس مسیحیان وجود دارند در جریان کارها نظارت و رسیدگی نمائیم ولی در عین حال در کار اشخاصی که فقط شهوت

کلام و پرگوئی دارند مداخله ننموده و مزاحم آنها نخواهیم شد زیرا اگر پی ببرند که ما درصدد ترتیب توطئه‌ای بر ضد آنها هستیم از قدرت ما کاسته خواهد شد.

تا اینجا ثابت شد که به وسیله عمال مسیحی خودمان که مانند گوسفندان کور در رمه‌ها در حرکتند نفوذ دست حاکم مسیحیان را متزلزل نمودیم به همین طریق ممکن است با ایراد چند جمله آزادیخواهانه ضعف دستگاه حاکمه آنها را به اثبات برسانیم.

حکومت ما بوسیله یک گارد محافظ که تقریباً نامرئی است محافظت می‌شود زیرا ما نمی‌خواهیم حتی وجود فکر و تصور مخالف با نیات خود را قبول کنیم که در نتیجه مجبور به مبارزه با آن باشیم.

چون ظاهراً به نظر می‌رسد که حاکم دستگاه ما قدرت خود را فقط بنفع ملت به کار می‌برد و هیچ توجهی به منافع و اغراض شخصی ندارد حکومتش از طرف اتباع خودش محافظت می‌شود و او را می‌پرستند چون آسایش هر فردی را در آسایش او دانسته و در نظم اقتصادی و اجتماعی خود را به او مدیون می‌دانند.

اگر خیلی به طور آشکار پادشاه محافظت شود نشانه ضعف تشکیلات دستگاه حاکمه است.

وقتی که پادشاه ما در بین ملت قرار می‌گیرد بلافاصله عده‌ای مرد و زن به ظاهر برای احترام و حفظ نظم و در باطن برای حفظ او حلقه‌وار دست به دست یکدیگر می‌دهند و اگر کسی بخواهد از پادشاه توقعی بنماید باید از این حلقه بگذرد و در نتیجه عملیات او را تحت نظر خواهند گرفت.

اگر دستگاه محافظت یک گارد رسمی باشد از اهمیت و قدرت حکومت کاسته می‌شود زیرا نتایج دستگاه‌های حفاظت رسمی مسیحیان بر ما آشکار و هویداست.

ما جنایتکاران را به محض سوءظن بازداشت می‌کنیم ترس از اشتباه نباید به جنایتکاران سیاسی فرصت فرار از مجازات را بدهد بلکه ما باید بیرحمانه مجازات‌ها را اجراء کنیم زیرا علاوه بر اینکه هیچ شخصی جز کسی که در دستگاه حاکمه است از رموز سیاست اطلاعی ندارد بسیار حکومت‌های دیگری هستند که از فهم حقیقت سیاست عاجزند.

فصل نوزدهم

حق پیشنهاد نقشه ــ قضاوت قضات درباره جرائم سیاسی ــ اثر تبلیغات در جرائم سیاسی.

اگر قبول نداشته باشیم که همه مستقیماً با سیاست تماس داریم لااقل همه با هر اقدامی که برای اصلاح وضع ملت مفید باشد موافقت داریم و با پیشنهاد نقشه و طرح‌های اساسی برای از بین بردن نقائص و معایب اتباع خود قیام می‌کنیم و اعتراضات مخالفین مثل عوعو توله سگ کوچکی در مقابل فیل بزرگ است.

برای یک حکومتی که از نظر اجتماعی نه از نظر پلیسی دارای تشکیلات اساسی و صحیحی است توله‌سگ کوچک بر ضد فیل بزرگ سروصدا راه می‌اندازد چون جا و ارزش خود را نمی‌داند کافی

است که با نشان دادن اهمیت یکی در مقابل دیگری اقدامی بکنیم که توله‌سگ‌ها دیگر عوعو نکنند بلکه به محض دیدن فیل دم خود را تکان بدهند برای اینکه ارتکاب جرائم سیاسی شهامت و شجاعت تلقی نشود مرتکبین آن را در همان ردیف که مرتکبین دزدی و جنایات و جرائم پست قرار دارند قرار می‌دهیم تا اینکه ملت به مرتکبین جرائم سیاسی به همان نظر حقارت که به یک نفر مرتکب دزدی می‌نگرد بنگرد و برای بزرگ جلوه دادن این جرائم از مطبوعات و خطابه‌های خود استفاده می‌نمائیم به طوری که مسیحیان دسته دسته به تبعیت ما وارد و در صفوف ما داخل شوند.

فصل بیستم

برنامه مالی ــ مالیات تصاعدی ـ تمبر ــ اوراق بهادار و تثبیت پول ــ دیوان محاسبات حذف نمایندگی ــ رکود سرمایه‌ها ــ حذف پول ــ تبدیل طلا ــ تبدیل ارزش کار بودجه ــ قروض دولت ــ انتشار اوراق با ربح یک درصد ــ اوراق صنعتی ــ حکومت‌های مسیحیان ــ نورچشمی‌ها ــ عمال فراماسون.

امروز درباره برنامه مالی که برای اواخر گزارش خود در نظر گرفته‌ایم و مشکلترین و حساس‌ترین نقطه نقشه‌های ماست سخن خواهیم راند.

قبلا یادآوری می‌کنیم که نتیجه فعالیت‌های ما باید به صورت

رقمی روشن شود. موقعی که حکومت ما فرا رسد حکومت مطلق ما برای حفظ خود از تحمیل مالیات‌های سنگین به علت اجتناب خواهد نمود و فراموش نخواهد کرد که پدر روحانی ملت است ولی چون برای مخارج حکومت احتیاج به پول دارد در صدد تهیه وسائل متناسبی برآمده و به همین منظور اقداماتی برای ایجاد موازنه مالی خواهد نمود. در حکومت ما پادشاه قدرت تامه دارد و می‌تواند مثل مالک تمام موجودی‌های منطقه حکومت خود رفتار نماید و حق دارد به منظور ایجاد نظم صحیح در گردش پول در مملکت هر مقدار پولی را که صلاح بداند ضبط کند.

بهترین مالیات‌ها مالیات تصاعدی بر مالکیت است با این ترتیب مالیات‌ها بدون زحمت و تحمیل به نسبت مالکیت‌ها وصول خواهد شد و سرمایه‌داران و متمولین باید وظیفه خود بدانند که قسمتی از تمول خود را در اختیار دولت بگذارند تا بتواند بقیه سرمایه آنها را حفظ نموده و به آنها اجازه کسب ثروت مشروع بدهد. گفتیم کسب ثروت مشروع زیرا نظارت دولت بر مالکیت از هرگونه غارت و چپاول جلوگیری خواهد کرد و این تحول اجتماعی بایستی از طبقات بالا شروع شود و برای تأمین صلح ضروری است.

مالیات برای فقرا به منزله کاشتن تخم انقلاب می‌باشد و برای دولت مضر است که در نتیجه آن برای به دست آوردن مبلغ قلیل منافع کثیر از دست خواهد رفت و از طرف دیگر مالیات بر سرمایه از افزایش تمول در دست کسانی که با موازنه مالی رقابت می‌نمایند جلوگیری خواهد کرد.

یک مالیات تصاعدی دارای نتیجه‌ای است که به مراتب بهتر از

مالیات نسبی است که امروزه نتیجه آن فقط ایجاد اغتشاش و عدم رضایت در بین مسیحیان است. نیروئی که روی آن پادشاه ما متکی خواهد بود ایجاد تعادل و تضمین صلح است و برای این منظور لازم است که سرمایه‌داران قسمت کوچکی از عائدی خود را برای تأمین گردش ماشین حکومت وقف نمایند.

احتیاجات دولت بایستی به وسیله کسانی که بدون زحمت و در اثر کوشش همان دولت توانسته‌اند کسب ثروت کنند تأمین شود.

این اقدامات هرگونه کینه و حسد فقیر را نسبت به غنی از بین خواهد برد زیرا فقیر ملاحظه خواهد کرد که یک نیروی مالی وجود دارد که برای کشورش مفید است و برای صلح و آرامش و رفاه و آسایش تکیه‌گاه قابل اعتمادی است و متوجه است به اینکه همین وجود اغنیاست که برای حفظ این سرمایه به انجام هرگونه اقدام لازم مبادرت می‌نماید. برای اینکه طبقه روشنفکر از پرداخت چنین مالیاتی متأثر نشوند همیشه از ترتیب مخارجی که از محل این پول‌ها خواهد شد فهرستی منتشر خواهد شد (البته به استثنای پول‌هائی که فقط به مصرف امور مربوط به تاج و تخت و تأسیسات اداری می‌رسد) کسی که حکومت می‌کند هیچ ملک و تمول شخصی نخواهد داشت چون هر چیزی که در منطقه حکومت قرار دارد متعلق به اوست.

اقوام شخصی که حکومت می‌کند به استثنای وراث او که به خرج دولت اداره می‌شوند باید مثل مستخدمین دولت در ازای کار توقع احراز مالکیت داشته باشند و فقط به بهانه ارتباط و بستگی با خانواده درباری نبایستی درصدد غارت بیت‌المال و خزانه برآیند.

خرید یک ملک و انتقال یک ارثیه مشمول حق تمبر تصاعدی خواهد بود. اگر سرمایه به صورت پول یا به صورت دیگر از کسی به کس دیگر منتقل شود و اظهاریه داده نشده باشد از تاریخ انتقال تا تاریخ کشف قضیه یک جریمه به میزان ۳۰ درصد به انتقال دهنده تعلق خواهد گرفت.

موضوع انتقال سرمایه باید در هر جا با ذکر نام و نام فامیل و محل اقامت انتقال دهنده و انتقال گیرنده صورت پذیرد. و به ثبت این انتقالات که مبلغ آن متجاوز از معاملات معمولی است حق تمبر تعلق خواهد گرفت. حساب کنید این مالیات‌ها چقدر از میزان درآمد حکومت‌های مسیحیان تجاوز خواهد کرد. خزانه‌داری حکومتی بایستی مبلغی به عنوان ذخیره داشته باشد و هر چه از آن مبلغ تجاوز کند باید در جریان باشد و ذخیره بایستی به مصرف امور عام‌المنفعه برسد و اقدام نسبت به این امور توجه کارگران را به دستگاه حاکمه جلب خواهد نمود و مبلغ قابل توجهی از این ذخائر بایستی به مصرف اختراعات و تولید برسد.

علاوه بر مبلغی که بایستی همیشه در ذخیره خزانه موجود باشد نباید به هیچ وجه کوچکترین مبلغی را راکد نگهداشت چون عدم جریان و راکد نگهداشتن پول در جریان دستگاه حاکمه مؤثر خواهد بود و پول به منزله روغن دنده‌های ماشین دستگاه حاکمه است و اگر بجای پول کاغذ را مورد استعمال قرار دهند عیناً همان نتیجه عائد می‌شود که از راکد نگهداشتن پول عائد می‌شود و نتائج آن امروز به خوبی مشهود است.

ما دیوان محاسباتی خواهیم داشت که همیشه بیلانی از درآمد و

هزینه را (به استثنای بیلان ماه جاری که هنوز خاتمه نیافته و بیلان ماه قبل که هنوز تسلیم نشده) برای حاکم ارسال خواهد نمود.

فقط کسی که میل غارت صندوق دولتی را ندارد حاکم خواهد بود و از همین نظر هرگونه اختلاس و تضییع اموال غیر ممکن خواهد بود. معرفی نمایندگی‌ها که میزان قابل توجهی از وقت حاکم را می‌گیرد و فقط به منظور تشریفاتی انجام می‌شود حذف خواهد شد تا حاکم وقت تفکر و نظارت داشته باشد و قدرت او دستخوش سوگلی‌ها و نورچشمی‌ها که جز منافع خود نظری نداشته و به منافع و مصالح دستگاه حاکمه یا دولت توجهی ندارند نگردد.

بحران‌های اقتصادی به وسیله ما در حکومت مسیحیان و فقط به منظور خارج کردن پول از جریان تولید می‌شود.

سرمایه‌های عظیم راکد می‌ماند و در نتیجه پول دستگاه حاکمه‌ای که به این سرمایه‌ها احتیاج دارد از دست آن خارج می‌شود و بر اثر قرض به عنوان ربح و منفعت از دست می‌رود.

تمرکز صنعت در دست‌های سرمایه‌دارانی که صنایع کوچک را از بین برده‌اند تمام نیروی ملت را معدوم و قدرت دولت را از بین خواهد برد. انتشار پول به وضع امروزه برای رفع احتیاجات کارگران کافی نیست و باید با ازدیاد جمعیت تناسب داشته باشد و در این محاسبه باید اطفال را به حساب آورد چون نگهداری طفل از کوچکی مستلزم مخارجی است.

مطالعه دقیق در وضع پول مسئله اساسی برای جهان است. البته بدیهی است که تبدیل طلا به زیان دولت‌ها می‌باشد زیرا جبران طلائی که از جریان خارج می‌شود از طرف حکومت‌ها امکان‌پذیر

نیست.

ما باید پولی اختراع کنیم که براساس کار استوار باشد یا به عبارت دیگر پشتوانه آن کار باشد خواه این پول کاغذی باشد یا چوبی و برحسب احتیاج اگر تولیدی مشاهده شد آن را منتشر و اگر چیزی از بین رفت آن را از جریان خارج کنیم.

اساس هر اداره و تشکیلاتی بر اصل فوق استوار خواهد بود و برای اینکه در امر گذاردن پول در اختیار دولت تأخیری نشود مبلغ و تاریخ تحویل را به موجب تصویب‌نامه دولت تعیین می‌کنیم و بدین وسیله اصل مداخله وزارت دارائی را باطل می‌سازیم.

نقشه‌های فوق را به ترتیبی اجرا خواهیم کرد که به هیچ وجه برای هیچ کس مشکلاتی ایجاد نکند. با اشاره به مشکلات و خرابکاری‌های مالی و اقتصادی مسیحیان لزوم این تحولات اقتصادی را گوشزد می‌کنیم و اول دفعه موضوع بودجه را که هر سال از سال پیش بیشتر است تذکر می‌دهیم می‌گوئیم بودجه را تا وسط سال نگاه می‌دارند بعد یک نصف بودجه‌ای می‌آورند که آن را به سه دوازدهم تبدیل می‌کنند بعد هم یک متمم بودجه تنظیم می‌کنند و بالاخره یک بودجه مفاصا تسلیم می‌نمایند و بودجه سال بعد روی بودجه سال پیش تنظیم می‌شود و همیشه پنجاه درصد افزایش خواهد داشت.

و بالاخره در هر ده سال بودجه سه برابر می‌شود و به همین علت همیشه خزانه دولت‌های مسیحی خالی است.

قرضه‌های متوالی بقیه سرمایه دولت‌ها را نابود نموده و حکومت‌ها را دچار ورشکستگی کرده است.

هر قرضی دلیل ضعف و عدم فعالیت حکومت است و این حکومت‌ها به عوض وضع مالیات‌های مناسب و ایجاد درآمد مثل گدایان دست به سوی بانکداران ما دراز نموده و صدقه مطالبه می‌کنند.

قرضه از بیگانگان به منزله زالوئی است که به بدن دستگاه حاکمه چسبیده و تا خودش نیفتد یا آن را نکنند از بدن جدا نمی‌شود ولی حکومت‌های مسیحی این زالوها را از خود دور نمی‌کنند و این قدر خونشان مکیده می‌شود تا بی‌حال جان می‌سپارند. ببینیم منظور از قرضه محضوصاً قرضه خارجی چیست.

قرضه به معنی انتشار اسکناس با پشتوانه پولی است که قرض شده اگر قرض یا ربح پنج درصد باشد در مدت بیست سال بدون هیچ نفعی معادل مبلغ قرضه و در مدت چهل سال دو برابر و در مدت شصت سال سه برابر قرضه پرداخته می‌شود در صورتی که اصل قرض هنوز پرداخته نشده و به این ترتیب دستگاه حکومت پول ملت فقیر را به مصرف ادای ربح به دولت قرض دهنده می‌نماید و حال آنکه بایستی آن را به مصرف و مصالح و منافع ملت برساند.

تا موقعی که صحبت از قرضه داخلی است مسیحیان فقط پول را از جیب فقرا به جیب اغنیا می‌ریزند.

ولی موقعی که صحبت از قرضه خارجی است تمام تمول و سرمایه حکومت‌ها به صندوق ما سرازیر می‌شود و تمام مسیحیان به ما باج خواهند داد:

اگر بی‌علاقگی دستگاه حاکمه مسیحیان به امور مملکتی و فساد وزراء و بی‌هوشی مالی و اقتصادی اولیای امور کشورها را مجبور به

تحمل فروضی کرده که دیگر برای ادای آنها قادر نیستند باید فکر کنید که این اعمال به قیمت چه مبلغ هنگفتی پول و مساعی وکوشش‌های بی‌شمار نصیب ما گردیده است. ما هیچوقت اجازه نخواهیم داد که پول راکد بماند و فقط اوراق بهادار با ربح یک در صد منتشر خواهیم کرد و این اوراق منحصر به شرکت‌های صنعتی خواهد بود که برای پرداخت نفع از محل درآمد و استفاده خود ممر و منبعی دارند و حال آنکه دولت پول را فقط برای خرج کردن قرض می‌کند و آن را برای اصلاحات یا استفاده به جریان نمی‌گذارد.

چقدر کوتاهی فکر مغزهای حیوانی مسیحیان آشکار است! مسیحیان پول را با منفعت از ما قرض می‌کنند و می‌دانند که باید اصل را با فرع بپردازند تا از دست ما خلاص شوند. چه کاری ساده‌تر از این است که پول را از دست کسانی بگیرند که به آنها مدیونند؟

این دلیل تفوق فکری ماست که طوری جلوه داده‌ایم که مسیحیان نفع خود را در این یافته‌اند که از ما قرض کنند.

محاسبات دقیق صحت ادعای ما را اثبات و به تمام سوءاستفاده‌هائی که به وسیله آنها مسیحیان را مطیع خود کرده‌ایم ولی در قلمرو حکومت خود ما وجود ندارد خاتمه خواهد داد. اصول محاسباتی ما طوری دقیق تنظیم شده که نه حکومت و نه هیچ کارمند دولتی نمی‌تواند جریان پولی را از مسیری که طبق نقشه فعالیت‌های ما تنظیم شده به سوی دیگر منحرف کند.

بدون یک نقشه معین نمی‌توان حکومت کرد

حتی تمام اشخاص شجاعی که راه مطمئنی را طی می‌کنند ولی ذخیره‌ای ندارند عاقبت به مقصود نرسیده فنا می‌شوند و رؤسای

مسیحی فقط به منزله پرده‌های حاجب ماوراء ظاهری می‌باشند و دستورالعمل نورچشمی‌ها و سوگلی‌های آنها که به وسیله عمال ما تنظیم شده همیشه به کسانی که قدری فکر روشن دارند نوید و وعده صرفه جوئی و اصلاحات می‌دهد.

صرفه‌جوئی در چه؟ وضع قرضه جدید؟

ببینید بی‌نظمی و افسار گسیختگی مالی در نتیجه فعالیت قابل توجه! ملل مسیحی به کجا منتهی شده.

فصل بیست و یکم

قرضه داخلی ـ مالیات‌ها ـ صندوق بخشودگی ـ حذف بورس مالیه عمومی ـ مالیات‌های صنعتی

علاوه بر آنچه در فصول گذشته گفته شد موضوع قرضه‌های داخلی را در این فصل هم بیان خواهیم کرد. راجع به قرضه‌های خارجی دیگر سخن نخواهم گفت چون قرضه‌های خارجی به منزله گاوصندوق‌های ما هستند که موجودی آن پول ملل مسیحی است و برای حکومت ما به مصرف می‌رسد.

از فساد دستگاه اداری و غفلت اولیاء امور حکومت‌های مسیحی استفاده کرده و دو یا سه برابر آنچه به آنها قرض داده‌ایم مسترد

می‌داریم و حال اینکه این قروض به هیچوجه برای حکومت آنها ضرورت نداشته کیست که بتواند عین این عمل را دربارهٔ خود ما بکند؟ جواب این سئوال را نمی‌دهم و میل ندارم دربارهٔ جزئیات قرضه‌های خارجی وارد شوم و فقط به ذکر جزئیات قرضه داخلی می‌پردازم.

در مورد قرضه داخلی دولت شروع به انتشار برگ‌های تعهدی می‌نماید و همه را در دسترس عامه می‌گذارد و برای مشترکین اول تخفیف قائل می‌شود.

فردای روز انتشار یک ترقی قیمت مصنوعی در بهای کلیه اجناس مشاهده می‌شود که گفته می‌شود به علت هجوم مردم برای خرید برگ‌های مزبور است. چند روز بعد صندوق‌های خزانه به‌قدری پر خواهد شد که نمی‌دانند پول راکجا بگذارند و فکر می‌کنند چرا به این زودی پول‌ها را جمع‌آوری کنند و تأمل می‌کنند تا وجوه اشتراک از چند برابر مبلغ قرضه‌ای که می‌خواستند تجاوز کنند. این هم نتیجه اعتمادی که مردم به برگ‌های بهادار دولتی ابراز داشته‌اند! وقتی که این صحنه مضحک تمام شد در مقابل مشکلی قرار می‌گیرند برای پرداخت منافع بایستی به قرضه‌های دیگری دست زد که از قرضه اصلی هم متجاوز است و وقتی که اعتبار موجود نیست بایستی به وسیله مالیات‌های جدید آن را جبران کرد.

وقتی که همه بخواهند پول خود را مسترد دارند دست و پای دولت پیچیده خواهد شد زیرا نمی‌تواند پول همه را مسترد دارد.

خوشبختانه اتباع دولت‌های مسیحی که از امور مالی اطلاعی ندارند ترجیح می‌دهند که از پولشان مقداری از بین برود و از منافع آن

کاسته شود و پول جدیدی به دولت قرض ندهند تا به چنین مشکلاتی مواجه شوند.

فعلاً مسیحیان نمی‌خواهند به قرضه‌های خارجی متوسل شوند چون می‌دانند به محض تقاضا ما پول‌های خود را عرضه خواهیم کرد.

در نتیجه یک ورشکستگی عمومی عدم ارتباط منافع ملت را با دستگاه حاکمه روشن خواهد کرد. توجه شما را به این نکته جلب می‌کنیم که امروز قرضه داخلی به صورت پولی است که به عنوان تنخواه گردان در گردش است و عبارت از پولی است که از مجموع ذخائر و پس‌اندازها جمع‌آوری شده و چون پول مدت مدیدی در دست حکومت می‌ماند به مصرف پرداخت منافع قرضه خارجی می‌رسد و دولت مجبور است مبلغ دیگری به جای آن در گردش بگذارد و این نکته‌ای است که تمام روزنه‌های صندوق خزانه دولت را به روی مسیحیان خواهد بست.

وقتی که ما برتخت سلطنت خود جلوس کردیم تمام این حقه‌های مالی از بین خواهد رفت و اثری از خود باقی نخواهد گذاشت برای اینکه موافق منافع ما نخواهند بود ما تمام بورس‌های سرمایه‌های ملی را منحل می‌کنیم برای اینکه نمی‌خواهیم که اهمیت قدرت ما براثر تغییر قیمت‌ها متزلزل باشد و قیمت پول به موجب قانون تعیین خواهد شد که افزایش و نقصانی که در نتیجه تولید تورم پولی بکند مشاهده نشود و ما در ابتدای جنگ خود با مسیحیان به همین نحو با حکومت مسیحیان مبارزه کرده‌ایم.

ما به جای بورس تشکیلات وسیعی از اعتبار مخصوص خواهیم

داد که منظور و هدف آن تعیین ارزش صنعتی طبق نظر حکومت است و این تشکیلات خواهند توانست در ظرف یک روز متجاوز از پانصد میلیون برگ بهادار صنعتی منتشر سازند و بدین ترتیب تمام مقاصد و اقدامات صنعتی بسته به نظر ما خواهند بود و البته می‌توانید حدس بزنید که از این راه چه موفقیتی نصیب ما خواهد شد.

فصل بیست و دوم

رمز آینده ــ رنج امروز گنج فردا را در بر دارد ــ طلوع قدرت.

در آنچه تاکنون برای شما بیان کردیم مجبور بودیم اسرار حوادث گذشته و آینده را برای شما بیان کنیم و در تمام این بیانات آنچه را که در آینده نزدیکی به ظهور خواهد رسید برای شما تشریح کردیم و رمز ارتباط با مسیحیان و عملیات مالی و اقتصادی خودمان را توضیح دادیم ولی در این باب قسمت جزئی باقی مانده که باید بیان کنیم.

قویترین نیروهای جدید که طلا نام دارد در دست ماست و می‌توانیم در ظرف دو روز مقدار لازم از این نیرو را و به هر اندازه که بخواهیم از انبارهای خود بیرون بیاوریم.

آیا باز باید ثابت کنیم که ریاست حکومت ما با خدا است؟ آیا با این تمولی که در دسترس خود داریم نمی‌توانیم ثابت کنیم که هر کار بدی که در گذشته کرده‌ایم به منظور یک نتیجه خوبی که ایجاد نظم و آرامش نام دارد مرتکب شده‌ایم....

اینجاست که بد و خوب باهم مشتبه می‌شود.

با شدت و خشونت نظم و ترتیب برقرار می‌شود. ما می‌توانیم ثابت کنیم که ما منجیان عالم هستیم و ما هستیم که نعمت حقیقی یعنی آزادی فردی را ایجاد کرده‌ایم به‌طوری که فرد می‌تواند از نعمت آرامش و صلح و روابط اجتماعی به‌شرط اینکه نسبت به ما و قوانین ما مطیع باشد بهره‌مند و برخوردار گردد.

توضیح خواهیم داد که در عین حال آزادی با هرج و مرج تفاوت دارد. در عین حال لیاقت و انسانیت عبارت از ابراز افکار آشوب‌طلبانه نبوده و حق فردی در این نیست که خود و دیگران را به وسیله ایراد خطابه در اجتماعات پر ازدحام تحریک کنیم.

آزادی حقیقی این است که به حقوق کسی که تمام قوانین زندگی اجتماعی را رعایت می‌کند تجاوز نکنیم.

لیاقت عبارت از علاقمندی به حقوق است مخصوصاً حقوقی که به‌دست نیامده ولی نه به منظور خودخواهی.

افتخار حکومت ما در این است که دستخوش خطابه‌های جنون‌آمیز پیشوایان نبوده و بر اصول اساسی استوار است.

قدرت ما نشانه نظمی است که خوشی و سعادت بشر را در بر دارد و طلوع این قدرت مقدمه پرستش و احترام ملت است.

نیروی حقیقی ما با هیچ حقی مخالفت ندارد حتی با حقوق الهی. هیچکس جرأت ندارد کوچکترین ذره‌ای از عظمت این‌قدرت بکاهد.

فصل بیست و سوم

کاستن تولید اشیاء لوکس و تجملی ـ صنایع کوچک ـ بی‌کاری ـ مستی ـ محکومیت اجتماع قدیم و احیاء آن ـ منتخب خدا

برای اینکه ملت‌ها به اطاعت عادت کنند باید آنها را عادت به‌درویشی داد و در نتیجه از اشیاء تجملی کم کرد و بدین وسیله آداب و رسومی راکه در نتیجه رقابت‌های تجملی فاسد شده اصلاح نمود و صنایع کوچک را با سرمایه‌های شخصی صاحبان کارخانه‌ها مجدداً احیا نمود.

این کار لازم است زیرا صاحبان کارخانجات بزرگ بدون اینکه خودشان بدانند راهنمای فکر توده برضد حکومت هستند.

ملتی که به صنایع کوچک مشغول باشد نمی‌داند بی‌کاری چیست. بی‌کاری خطرناکترین عامل برای حکومت است و برای ما خطر آن به‌محض قبضه قدرت مرتفع خواهد شد. مستی نیز به موجب قانون به منزله جنایت بزرگی است و مرتکب به شدت مجازات می‌شود زیرا کسانی که دائم الخمرند در اثر الکل خشن می‌شوند. یک مرتبه دیگر تکرار می‌کنیم که مردم کورکورانه اطاعت نمی‌کنند مگر اینکه دست خشن و مقتدری که کاملاً از آنها مستقل باشد بر آنها حکمفرمائی کند و آن دست باید به منزله تکیه‌گاهی برای آنها برضد ناملایمات اجتماعی باشد.

مردم چه احتیاج دارند که پادشاهشان دارای روح فرشته باشد؟ مردم باید در پادشاه روح قدرت و اقتدار را احساس کنند.

پادشاهی که جای تمام حکومت‌های فعلی را خواهد گرفت ـ حکومت‌های فعلی که حتی منکر خدا هستند و از هر طرف افکار آشوب طلبانه و هرج و مرج سربلند کرده باید در وهله اول این شعله‌ای را که برای سوزاندن همه زبانه می‌کشد خاموش کند و برای این است که باید همه این اجتماعات را محکوم به مرگ و یا بهتر بگوئیم در خون خود غرق سازد و به جای آن ارتش منظمی که از روی وجدان برضد تمام فساد اجتماع مبارزه کند ترتیب داد.

این منتخب خدا از دستگاه الهی برای از بین بردن این قوای مرموزی که دیده حقیقت بین ندارند و به جای انسانیت وحشیگری را پیشه خود کرده‌اند فرستاده شده. این قوای مرموز فعلا همه جا فاتح هستند ـ غارت می‌کنند ـ همه نوع خشونت و آزار را به نام آزادی و حق مرتکب می‌شوند و تمام نظم اجتماع را از بین می‌برند برای اینکه

بر روی خرابه‌های آن تخت سلطنت پادشاه اسرائیل برقرار شود و وظیفه آنها پس از جلوس پادشاه اسرائیل خاتمه خواهد یافت و بعد ما باید تمام موانع را از مسیر آن برداریم.

در این وقت می‌توانیم به ملت بگوئیم: شکر کنید خدا را و سر تعظیم فرود آورید در مقابل کسی که علائم فرمانروائی از ناصیه‌اش هویداست ـ به طرف کسی که خدا فقط ستاره قدرت را نصیب او کرده برای اینکه کسی به جز او نتواند شما را از زور و آلام و رنج‌ها خلاصی بخشد.

فصل بیست و چهارم

تقویت پادشاه ـ تهیه پادشاه ـ دور کردن وراث مستقیم پادشاه و سه ندیم او ـ پادشاه مقتدر ـ آداب و رسوم خارجی پادشاه یهودیان

در این فصل وسائل تقویت پادشاه را ذکر می‌کنیم ـ مبنای کار ما همان اصولی خواهد بود که تاکنون در اختیار دانشمندان ما بوده و در نتیجه توانسته‌اند دنیا را هدایت کنند ـ ما فکر جامعه را رهبر و راهنما هستیم.

بسیاری از نسل ما به عنوان پادشاه یا وراث او انتخاب خواهند شد ولی وراث طبق قوانین ارث انتخاب نمی‌شوند بلکه متناسب با نبوغ خودشان معین می‌شوند.

این اشخاص به رموز و اسرار سیاست و نقشه‌های حکومت بدون اینکه کسی متوجه شود آشنا می‌شوند و هدف ما از انجام این کار این است که هر کسی از این اسرار بی‌اطلاع است نتواند دعوی حکومت را در سر بپروراند.

فقط به افراد معین و تعداد محدودی نقشه‌های سیاسی و نتائج تجربه‌های چند قرن گذشته و مشاهدات خودمان را راجع به طرح‌های سیاسی و اقتصادی و علوم اجتماعی و خلاصه عصاره و روح قوانین موضوعه را که طبیعت برای برقراری نظم در روابط افراد بشر برقرار نموده تعلیم می‌کنیم.

وراث مستقیم اگر در ضمن ممارست دارای اخلاق و اطواری باشند که نشانه عدم لیاقت آنها باشد به نحوی که برای حکومت مفید تشخیص نشوند رفته رفته از دستگاه تخت و تاج سلطنت دور می‌شوند.

فقط کسانی که لیاقت مطلقه از خود بروز داده‌اند و حکومت خشن خود را می‌توانند به حد بی‌رحمی اجرا کنند می‌توانند از اطلاعات دانشمندان ما بهره‌مند شوند و در موقع بیماری و کسالت پادشاه زمام امور به دست کسانی سپرده می‌شود که لیاقت خود را ابراز کرده‌اند.

از نقشه عملیات پادشاه و نقشه‌های فوری او و حتی نزدیکترین نزدیکان او مطلع نخواهند بود و فقط پادشاه و سه نفر از ندیمان او از آینده خبر دارند که چه اتفاق خواهد افتاد. همه تقدیر خود و مسیری را که برای وصول به این تقدیر باید طی نمایند در دست پادشاهی می‌دانند که عدم تزلزل او به اثبات رسیده و چون هیچکس مقاصد پادشاه را نمی‌داند جرأت نمی‌کند در راه ناشناسی که اطلاعی ندارد

قدم بگذارد. حتمی است که هوش پادشاه در انجام نقشه حکومتی که به او سپرده شده است دخالت دارد و از همین نظر فقط یک مرتبه آن هم به محض انتخاب دانشمندان ما بر تخت جلوس خواهد کرد.

برای اینکه ملت شاه خود را بشناسد و دوست بدارد باید پادشاه در مجامع عمومی با او صحبت کند و در نتیجه این کار بین دو قوه‌ای که امروز وحشت و ترور جدائی انداخته اتحاد و اتفاق برقرار می‌شود. وجود این ترور و وحشت برای اینکه تسلط خود را به طور جداگانه بر هریک ایجاد کنیم برای مدتی ضروری بوده است.

پادشاه یهودیان نباید مغلوب عشق و شهوت باشد. پادشاه نباید هیچ خوی حیوانی را بر قوای عاقله خود مسلط کند.

شهوت به‌طرز موحشی روی تمام قوای عقلی و تیزبینی اثرکرده و نیروی حیوانی را تقویت می‌کند.

پادشاه ما باید به عنوان هسته مرکزی و رکن اساسی حکومت دنیا از تمام لذات شخصی صرف‌نظر کند به طوری که برای همه سرمشق قابل پرستشی باشد.

پایان





۸۵۰ تومان